

(ج) باید به اهالی قریه اذیت نموده تا آنکه به تنگ آمده کالشا را تسلیم قشون نمایند
(س) امروز عده از اهل قریه ها را در پشت خانه اگنت کرمی روس جمع نموده بودند، و آنچه بود

(ج) برای این که آن ها را مجبور نمایند که حکماً کالشا را بگیرند و نهویل روسها نمایند والا به هر خانه و به هر دهی که قشون برسد آتش خواهند زد چنانکه زده است

(س) از آتش زدن خانه های رعیت بچاره چه خواهد شد

(ج) آن وقت مجبور میشوند که گرفتن کالشا چونکه در آستارا ما گفته اند اگر از اهل دهات با قشون هم دست نباشند گرفتن آنها مشکل است

(س) بعد از گرفتن کالشا را چه خواهند کرد
(ج) با معیت عده از قشون بروسیه میفرستند

بوشهر

رئیس نظمیّه در تنظیم شهر جهد وای دارد لاکن موجب سه ماهه پلیسهای خود را تاکنون رسانیده و اداره بلدی مشغول تصدیقات شهر و تعیین جراح در کوچها میباشد شاید تا یکماه دیگر کاری جراح در کوچها نصیب شود از الاعشای هیزم و زغال حتی از سقاها شهر و غیره مالیات خواهند گرفت بنده عرض میکنم این اقدامات غیر مربوط است لاکن عرض میکنم هنوز کارهای واجب تر از این ما داریم که بدو اقدام در آن مزید جلب توجه نامه تواند شد در عوض جراح کوچها روشنی قلوب اولویت دارد که ملت از ظلمت جهل بجات بیاید والا بجهت امروزه مملکت ما ظلمت شب چندان اهمیتی ندارد روشنی قلوب هم ممکن نمیشود مگر با احداث مدرسه و تعلیم اجباری آنها بسته بهمت وزیر معارف میباشد ابتدا باید خار جهل و خاشاک فحاشی و اسپاس رشوه را از شهرها پاک نمود، که با طبیعه کوچهای بلدان نظافت حاصل خواهد کرد باید طرق و شوارع را از تنگنای ظلم سارقین و خاشاک بجات داد که وسعت کوچه و بازار امریست آسان باشد همزی در املاک و خالصهات و معادن

آید و الا این مالیات ها چندانی فایده نخواهد بخشید جز از حار خاطر عموم، دولت باید اولاً مشاق نظامی و مستخدمین کافی در هر بلد گسیل دارد که در هر جا بطور داوطلبی اشکور گرفته شود و بطرز جدید مشغول مشق نظامی شوند نه قبل از وقت تاگراف بحکام بایند که تنگبوی و چربک موقوف از مرکز سیاه فرستاده میشود و مسکور عرض شده باید در هر صوبه از اهالی همان صوبه که باب و هوای آن خطه متضاد و راه و ریخته آنها را بلد باشند سپاه گرفت به اینکه فوج همدان و چهارمحال آصفهان مأمور بنادر شوند که در مرض يك سال بجهت ترك حیات گفته بجهت دیگر بحال فلاکت نیم حانی بدر برند

و دیگر خوب است اولیای امور در دستور العمل حکام بلدان عبرتگاه مسئول لفظی مقرر فرمایند چرا که کلمه مسئول حالت کلیه خیر را پیدا کرده هر کاریکه ناشدنی است باسصلاح خیر میگویند باید وزیر داخله علاوه از دستور العمل حکام در هر شهری چند نفر آدم بی غرض و صلح خفیه نویس داشته باشد که اعمال عماد و حرکات مفرضین را هر هفته اطلاع بدهند در رابخدمت مرحمت و در مقابل خیانت سیاست شوید نه اینکه تا بحال اسماً مسئول بوده و رسماً مسئولیتشان بکلیه معدوم با هرگاه اهالی بلدی شکایت یا رضایت از حکام نمایند باید بمساعدت مخبرین صادق تقیث فرموده آنوقت اقدام در عزل یا نصب عامل جدید فرمایند حکامیکه فطرتاً مایل بخدمتگذاری هستند اگرچه چندان بهلوم جدید آشنا نباشند نباید از کار خارج شان داد مثلا حال دو سه است که مصباح دیوان از طرف دریایی نایب الحکومه عباسی میباشد و در مرض دو سال تمام مالیات خود را پرداخته با وجودیکه هر ساله تقریباً دو سه هزار تومان در محل باقی بوده مثل امسال که تفریح حساب مالیات عباسی و میناب و غیره را از دریایی در دست دارد و مبلغ چهار هزار تومان در محل و چیزیم نزد کلانتر شیبیل و رطایا باقی است و دو انتظام قلمرو حکومت تا آنجا که از طرف حکمران اجازه داشته منظم نموده است در اینصورت نمیشود انگونه اشخاص را بی جهت از کار دولت

و دیگر همچنانکه حضرت اقدس آقای نایب السلطنه میفرمایند تا زمانیکه وزیر جدید منتخب شود وزیر مسئول نمیتواند از عهده خود کناره نماید، پس خوب است تا زمانیکه حکومت تازه دارد بمحل حکمرانی خود شود نباید حکومت سابق عزل و احضار طهران گردد که عدم حکومت در یک نقطه حکومتی تولید بسی مشکلات تواند نمود

دیگر از ارباب جراید داخله استمدای عاجزانه مینمایند شا که خود را زبان ملت و علمدار انسانیت می نامید خوب است قدری تمجید و توییح و خود غرضی بیچاره کنار گذاشته کافه ملزما بنصایح هدایت قدر و قیمتی بجهت جراید خود تحصیل نمایند، مثلاً انسان پول میدهد وقت تلف مینماید اعمار میکشد که این هفته بتوسط فلان جریده کسب اطلاعات میشده چنانچه بدبختانه روزنامه های بومیه در عرض سه هفته تا چهار هفته یکدفعه میرسد آنهم دونسخه یا سه نسخه بیچاره مشترکین پس از رسیدن جریده چه بخواند چهار ستون روزنامه بد از همدیگر و چهار ستون دیگر دفاع از هم قلم خود نمودن است آنهم کاش مرتب میرسد چیزی که نقداً مایه امیدواری کافه ایرانیان است وجود بانمود والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و ایات جلیده فارس است امیدواریم تلافی مافات و مرمت خرابی های سابق بهت بلند و الا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بشود.

حاکم فارس هم شیر از کوهستان وسیعه دیگر تمام اشرار بهمت والای حضرت ایالت سرکوبی شده امیدواریم بهمین زودی اشرار کوهستان و سبجهات و ایل بهارلو و عرب هم سرکوب و تبیه کامل شود که در آتیه اهالی اینخود از مهاجمه اشرار آسوده باشیم، در بابی حکم سابق بنادر معزول در قونسلخانه انگلیس منحصن است، آقای موقرالذوله بحکمرانی کل بنادر جنوب منصوب بدم قبل وارد بیوشهر گردیده و اطمینان کامل به دریایی داده که من سوی حکومتی بنادر حکم دیگر از مرکز ندارم از قونسل خانه خارج بهر کجا که میل دارید بروید

مکتوب از مشهد

این اوقات بواسطه صدای غریب عجیبی که گویا نغمه از مقامات صبحه آسمانی است که از مشرق و مغرب عالم بالسنه شتی و لغات مختلفه بگوش میرسد

یعنی اتحاد اسلامی ولوله غریبی و زلزله عجیبی در حرکات و سکنات اروپائی برستان یعنی فرنگی مابان بی مسلک که مسلکی جز آزادی مطلق و شهوت رانی بناحق ندارند و ندانند بهم رسیده، بقول جریدنکار اسفغانی خرهاى خیالات روم کردند، جرت مایه توهمات باره شده است، فرق سیاسته در ایران و اهالی یخبر بدست و پا افتادادانه و شب و روز در کارند محذیکه بموجب نوشتجات و جراید خودتان بهتر میدانید احتیاج به بیان ندارد و در چنین روزیکه کشتی استقلال ملک و ملت در چهارموجه و گرداب سیاسیات اجانب است و کار از نماز واجبتر برای وکلای بیچاره و ناپندگان ملت در پیش است مجلس شورای ملی بعنوان تحصیل اکثریت بگفتگویی بارتیها وقت میگذرانند،

از قراریکه در مشهد در کارند بزودی جمیع ادارات خراسان از یک فرقه سیاسی بر شده و تا شش ماه دیگر که موقع انتخابات جدید است شعبه پارلمانی هم کادیدا میشوند و سال آینده حکومت مجلس و وزارتخانهها و غیره و غیره با آن حزب سیاسی خواهد شد باری از آنجا که همیشه دست غیب الهی در مقابل دست عیب دشمنان اسلام در ایران کارهای عجیب میکند از جمله یکی جمعیت اتحاد اسلام است که در چند نقطه ایران تشکیل شده و فعلاً مشهد در نهایت قوت است، از همدان هم خبر دارم خوب است، و در جاهای دیگر هم در کارند، مسلک ایشان مسلک سیاسی است اما پیشهاد سیاسیات اسلامیه است، دخلی به دسته بندی و پارتی بازی و تقلیدات کور کورانه از فرنگی ندارد، اجالا عرض میکنم چون امروز خلق ایران بخیراند و نمیدانند چه بر سر ایشان آمده است مخیر لازم دارند

جمعیت اتحاد اسلامی دعوات برمی انگیزد و وظایف بعضی میدارد و روزنامهجات را برپا میکند و روزنامهچه خواندن را رواج میدهد، وقتیکه اذهان حاضر شنیدن و نفوس قابل جنیدت شدند پارتیهایی زشت خود بخود شناخته میشود، مشروطه طلب و آزادیخواه مطلق و هوادار پلنیک اجانب همه از هم شناخته میشود، دسته بندی پنهانی و گفتگویی سری و نجوی جز برای بیکوئی و تقوی از اسلام نیست، نجوی و مجالس سریه برای معصیت اتم و عدوان

دو اسلام حرام است. بقلب و دسته بندي و كينه سازى و كيان ملت شدن در مملكت و دولتيكه شوروى است و حق انتخاب و كپل براى كل مكلفين بشرايط ثابت است حق جمى ديگر را غصب كردن و نوبى از استبداد است. احزاب سياسيه البته در مملكت لازم است و كارهاى عمومى تا ظرف بحث جدى نداشته باشد بطور صحيح در مملكت صورت نميگيرد ولى وقتى ميتواند در ايران فرق سياسيه و حزب سياسى شناخته شود كه معلوم باشد اشخاص و افراد اين دو فرقه ايران خواه و اسلام خواهند و درين باب نامم محافظت ندارد. اما وقتيكه در ميان افراد و اشخاص يقيناً كسانى ميباشند كه از اجاب پول ميگيرند براى اينكه بمقتضاي بليت مسايلگت حرف بزناند و روزنامهچه را با تحريف فهميده و تفسير شده منتشر نمايند يا نكذارند فتنه در مملكت بخوابد يا نكذارند و كلا بكار واجب خود پردازند. يا نكذارند كابينه وزرا چهار روز ثابت جامد و و و يقيناً كسانى هستند كه سمرت ارجاع مواد فساد جگرشان را داغ دارد و يقيناً كسانى هستند كه باقانون اساسى عداوت دارند. و ميتوانست كشت احزاب سياسى بتقليد كور كواه تشكيل بشود و ملت را هم رخصت باشد همراهى كنند و بهرمان فرمان و قطع ناسجات صادره از جميع فرق را كه غالب اشخاص برزشان را ملت مخوب ميباشند راضى بعمل شوند هيات هيات! جمعيت اتحاد اسلام ميگويد مرامنامه مقانون اساسى است و چيزيكه از قانون اساسى بيرون باشد و مرامنامه فرقه كه با قانون اساسى مخالفت داشته باشد و بطور حتم و حكم بگويد ملت چاره از پذيرفتن ندارد زور است ارجاع است استبداد است و بالاخره....

جمعيت اتحاد اسلام ميگويد وقتيكه تمام برادران اسلامى من از تمام اسقاع واقطاع عالم به من ميگويند اسلام غريب است حوزه در شرف اضمحلال است فروع مذهبي را بگذاريد تا وقت فراغت بسر بسر بطور مباحنه دوستانه تفهيم و تفهم انصاف برادري اختلافات را بحول الله رفع ميكنم. حالا بر اصول ثلاثه مسلمة و فروع مسلمة اسلاميه برادري ثابت خود را حفظ کرده بدفاع از حوزه اتقاي ميكنيم. دوست نميتواند انكار اين معنى و وجوب و فوريت

آن را بکند. تا مسلمانان دیدند که يك دوست نمائی ميخواهد نزاع سياسى غير معتنايه را شاخ و برگ بدهد و مارا معطل کند فوراً مى فهميم كه اين دوست دشمن است در ميان ما و اين عضو شقاقى است بايد بر يد و بيرون افكند.

جمعيت اتحاد اسلام ميگويد بحكم وجوب دفاع از حوزه تمام توانايان ملت تكليف مشق جنگ با وضع كنونى دارند زحمت كشيدگان گروهي خورده گان فعلكى كردگان اين وادى يعنى سوار و سرباز شده مملكت را بوضع كنونى سرپا بايد كرد و فوراً بعد از انجام امراهمسا تمام افراد جامع الشرايط را بايد حكم مشق داد.

جمعيت اتحاد اسلامى ميگويد فرق چندي در ميان مسلمانان پيدا شده اند ميگويند ما طرفدار ضغنا و فقرا و رنجبراهيم. ملت اسلام و غير مسلمانان كه امروز شرکاء اين آب و خاکند تا نشانند باور نميکنند، ميگويند اگر شما پيش از پيغمبر اسلاميان و خلفاء او با ترحم ميترمانيد دايه مهربان تر از مادر خواهيد بود. و الا قانون اساسى و احكام سياسى فران درين باب مارا كمنايت ميکنند

فرق سياسى ميگويند ما تحريف مذهبي ميكنيم در امر دينا و سياسيات ملك راهنمايى علماي بزرگ و مجربين عالم و بدستور آنها كار ميكنيم.

جمعيت اتحاد اسلام ميگويد اين حرف برايم آت كسا يكه ديت آنها و افى سياسيات ملكى اينان نبود خوب است و صحيح است، اما در مملك اسلاميه صحيح نيست، چرا كه اسلام و احكام چيزى از سياسيات و معاملات و عبادات را فروگذار نكرده است و مارا محتاج سياسيات اروپاييه نكذارشته است بلكه ما را عقيدده آست كه حكا و علماي فرنگ در وضع قوانين سياسيه خود اقتباساتى از اسلام نموده اند تا توانسته اند خود را بمدارج مشهوره امروزي برسانند. الغرض مسلك جمعيت اتحاد اسلام اعلايه كه اسلام است خطاباً و كتاباً و بحثاً و بالجملة باللقى هم احسن - مرام و مقصود هم رفع اختلافات و نزاعهاى شرعى فرعى مذهبي و معاملاتى و سياسى است از داخله، و تهيو براى دفع از خارج تا حد وسع مستعينا بالله و بصاحب الاسلام والسلام

تذکرات

(۲۰ ع ۲ - ۲۰ اپریل)

§ باهالی منظور نموده است که برای سپاهیان عیسوی کشتن در فوج تعیین فرماید

§ جماعتی را در اسپین عقیده اینست که دولت اسپانی از اتحاد فرانسه فایده حاصل نتواند کرد ،

این جماعت میگویند اسپانیا باید برای منافع خویش ترك اتحاد فرانسه را گفته با آلمان عقد ائتلاف بنهد

§ در (میدرید) رسماً اشاعت یافته است که يك اردوی معتانی فرانسه بطرف (فاس) روانه می باید

که اوضاع (فاس) خیلی مضطرب است . اسپانیا در این اقدام با فرانسه شرکت ندارد ولی در نتیجه ما

فرانسه شریک خواهد بود . اقدامات مسلحه اسپانیا منوط به امنیت و عدم امنیت ناطی است که در

دایره نفوذ اسپانیا شامل می باشد

§ (سی اینتیک) فرمانفرمای منچوریا عزل و مجایوی (جاریه سن) که حاکم (ذیچو) بود مقرر گردید .

عهدهای مخصوص نیز بوی سپرده شده که من جمله افسری قشون ۱۳ اضلاع تانار است . اختبارات لشکری و کشوری (منچوریا) را دولت چین کاملاً بوی

سپرده است

(۲۱ ع ۲ - ۲۱ اپریل)

§ بموجب تذکرات (مارسل) دولت فرانسه برای فرستادن (۲۷۰۰) قشون در (کاسابلنکا) جهاز

کرایه می نماید و نیز سه هزار قشون را حکم شده است که بمضافات (هویه مراکو) رهسپار گردد که

جمله (۸۰۰۰) قشون فرانسه در (مراکو) موجود خواهد شد

§ بین حکومت (یگن) و سارت انگلیس که مراسلات منبـاب تریاک هند متروک شده بود در

هفته اخیر مجدداً با کمال محبت مراسلات رد و بدل گردیده و کان اینست در فرستادن تریاک هندوستان بچین

تخفیف شود . هنوز نمیتوان گفت دولتین چین و انگلیس کاملاً اتفاق رای نمایند چه هنوز

چند مسئله متنازع فیه باقی است

§ با وجودیکه بطریق بی رسمی درباریس اطمینان داده شده بمذاهب اهالی از افواه گرفتاری (میجر بریند) بدست مراکویان پربشاند ، میجر و صوف از (شیراده) یا قشون بطرف (فاس) رهسپار بود ، با اینکه

جنکی فتحمنده با بلوایان نمود ولی بواسطه سیلابی و قلت آذوقه بریشان گردیده است . (کیتان موریر)

در سدد حرکت دادن فوج بكمك میجر بریند هست ولی (رسولی) مانع است از حمل انقال اردو

دولت فرانسه اعلان نموده است که منتهای کوشش برای رسانیدن به (میجر بریند) دارد

(۲۲ ع ۲ - ۲۲ اپریل)

§ از رسیدن اخبار از اضلاع (تیتوان) چنان ظاهر شده است که بلوایان قشون عرب را بقتل

رسانیده و سلطان (مراکو) بسارت خانه فرانسه رساننده گردیده است

§ از تذکرات پاریس ظاهر می شود هیچگونه خبری از (فاس) بنازکی نرسیده . وزیر اعظم و وزیر

خارج و وزیر جنگ دیشب در اوضاع (مراکو) مشغول مشاوره بودند . عقیده عامه اینست که

دولت فرانسه باید جداً در کل شدت اقدام نماید ، روزنامه محس لندن می نویسد که دولت فرانسه را

لازم است بدول سایر عقاید خود را در ماده (مراکو) ظاهر دارد . دولت فرانسه باید مانند يك

دولت بزرگ قوی در مسئله مراکو اقدام نماید و رضا نهد که افسران دلاور او در (مراکو)

قتل رسند . در شهر (فاس) ۴ راهب انگلیسی و يك نفر رئیس پست سفارت خانه موجود است

§ از مقام (سبوتای مراکو) هیچگونه خبری نرسیده ولی بسیاری از افسران فرانسوی در (کاسابلنکا)

برای شمولیت اردوی (جنرال مونیر) روانه هستند ، در این اردو علاوه بر قشون فرانسوی (۱۵۰۰)

نفر بومیانی که تحت افسران فرانسه مشق دیده موجودند که در عرصه چند روز برای سواری به

شتر مستعد خواهند گردید

§ اصرار که در (رباط) جمع شده عده شان به چهار هزار رسیده است . و این اصرار تا چهارم

می وارد (فاس) خواهند گردید و همچو میگویند که ۱۴ نفر انگلیس هم در (فاس) موجود اند

§ جراید انگلیسی به اقدام فرانسه در (مراکو) اظهار مراهی مینمایند . عقیده جراید انگلیسی اینست

که هیچ دولتی در اردو کشی فرانسه به (مراکو) مخالفت نتواند کرد چه جان و مال اتباع خارجه در محل خوف و خطر است

§ بموجب تلگراف پاریس (کپتان مورپو) از رودخانه (لوكوس) گذشته و تهدید باغیان برخاسته است ، از این رو حمل اتصال اردوی (میجر بریمند) آسان خواهد شد

§ (میبووست) اگنت قونسلگری فرانسه در (القذار) بتاريخ ۱۹ اپریل با جماعتی از سواران با پول و باروت به کک (میجر بریمند) روانه گردید § (داکتر وومن) انگلیسی خعی از (فاس) به لندن بدین مضمون نگاشته که جماعتی که برای حفاظت شهر طلب شده بود دکان را غارت نمودند در همین خط مینویسد که حالت اهالی لازم بغور وتأمل است تدارک برای اخراج پنج زنان انگلیسی از (فاس) شده ولی اسباب فرار دادنشان بنظر رسیده

(۲۳ ع ۲۴ - ۲۳ اپریل)

§ خبری در پاریس اشاعت یافته که وزیر جنگ و سه سالار قشون را تلگرافی از جنرال (مونیر) رسیده که قشون شیرین حاجلار مبار می شود

§ بموجب تلگراف میجر (بریمند) مورخه ۱۸ اپریل که بوزارت جنگ فرانسه رسیده قشون را شور فتح بر سر ، موسم باران نیز خامه پذیرفته است § بموجب تلگرافی که از (فاس) رسیده بهبودی در امنیت روی نداده ولی اهالی اروپا چندانی مشوش نیستند

§ بموجب تلگراف پاریس قشونی که از (کاسا بلنکا) حرکت نموده علاوه بر قشون فراسوی و الجیریا (۱۵۰۰) نفر سنگالی هم شامل اند

§ امپراطور روس بشکرانه خدمات (میبووستولی بن) نشان (سنت الکزندر بیوسکی) را به او مرحمت نمودند

§ رئیس بلوآئیان (مکسیکو) اعلان نموده که چندی جنگ موقوف ماند ، تا قرار صلحی داده شود والبنه رئیس جمهوری (مکسیکو) نیز منظر خواهد نمود

§ رئیس بلوآئیان را عقیده اینست که نباید رئیس جمهوری (مکسیکو) قبل از دستخط نمودن صلحنامه استعفا گوید

(۲۴ ع ۲۵ - ۲۴ اپریل)

§ حکومت جمهوری (مکسیکو) تسلیم جنگ و

صلح با بلوآئیان را منظور نموده § (پرنس آرنا آف کنات) که به جشن تاجگذاری پادشاه ایتالی رفته بود با احترامات فایده پذیرائی شد و در مهیای رسمی در حین نوشیدن جام صحت اظهار دوستانه از طرفین شده ، پادشاه ایتالیا اتحاد با انگلیس را اظهار فرموده اند که از بجهت سال باینطرف اتحاد دولتین انگلیس و ایتالی قلم و سبب صلح عمومی گردیده است

§ بموجب تلگراف (حدیده) (سید ادیس) در (الوالین والبرک) که واقع در دریای احراست دو جهاز آذوقه قشون عثمانی را غارت نمود ، و نیز یک افسرتوکی و هفت سرباز را گرفتار نموده است § ۶ جهازات عثمانی بمناسبت این ظرفی در (جنینی) روانه شد ، و هرگاه بفارتیای دست نیابد بندر مذکور را بمبارد مان خواهند نمود

§ دولت فرانسه مصمم گردیده است که اگر مجدداً ضرورت پیش آید اردوی بزرگی برای محافظه خارجیان روانه (مراکو) نماید

§ بموجب خبر جدید جمعی از قشون فرانسه و الجیریا از (شاویه) بجانب (فاس) روانه شدند یک فوج مراکوئی با قشون فرانسه و توپخانه روانه خواهد شد ، اردوی سوم که عبارت از (۱۰۰۰۰) پیاده و (۲۰۰۰) سوار باشد در (کاسابلنکا) مجتمع خواهند گردید ، که موقع ضرورت مستعد باشد

§ بطریق نیم رسمی در پاریس اشاعت یافته که بمجرد برقراری امنیت در (مراکو) و عود اقتدار سلطان فوراً قشون فرانسه (مراکو) را تخلیه خواهد نمود

§ خط یکی از راهبات (مراکو) مورخه ۱۷ اپریل از (فاس) بلند رسیده که هیچ گونه خوفی بر خارجیان نیست و بواسطه بیماری یکی از زنان انگلیسی ولو بلوآئیان آخرین راه را هم سد نمایند ترک (فاس) نتوانند گفت

§ جراند آلمان به حرکات فرانسه در (مراکو) نکته چینی نموده می نویسند که فرانسه را اراده الحاق مراکو است ، و به عقیده آنان جان و مال اهالی خارجه در معرض خوف و خطر نیست ، بقول روزنامه زیتنگ آلمانی برخلاف عهدنامه

«الجزیرا» در (مراکو) حرکت می کند، و بید
نیست حرکات او طاقت مایه عبرت وی گردد، در
«بان آلمان ایک» چنین رای داده شده که (مراکو)
باید بین آلمان و فرانس تقسیم گردد

§ بموجب خبر (ویانه) قشون ترکی در (البانیا) از
فرقه (کاتولیک) سخت شکست یافته و بموجب خبر
رسمی کوه های اطراف شهر (طوزی) باعیان قشون
عمانی را محاصره نموده و دو دسته قشون که بحاج
شهر فرستاده شده بودند بلوئیان بر آنها حمله برد
۱۲ نفر را مقتول و بسیاری را مجروح نمودند
§ پنج روز جنگ در (مکسیکو) موقوف و
شروع بمحاربت صلحیه شده است

§ در پارلمان انگلستان بحواب سؤالی (مستر وود)
اظہار داشت که حکومت انگلیس مایل نیست هیچگونه
اقدامی در مراکو بنماید، چه اقدامات فراسیه برای
حفظ اغراض دولت انگلیس کافی تصور می شود،
از این رو نوشتن به دولت فرانسه در این باب
بی شالوده و نتیجه است

§ بموجب خبریکه از سنسارت انگلیس به تاجیر
رسیده از دروارة (جامع ولید) آذوقه و زغال
قدری در (فاس) وارد شده فونسار ترا اراده ایست
که اگر رعایای خارجه بخواهند ترک (فاس) گویند
از این طریق برای آنها ممکن است، در جنگ
تاریخ ۱۹ پس قشون فراسیه و قبائل (مراکو)
نتیجه ظام نگردیده فقط از طرفین جماعتی مقتول
و مجروح شده اند همینکه (میجر بریمند) استماع
نمود که قبائل یابی اعراب قصد حمله بر آذوقه دارند
بطرف آنها حرکت نموده و باقیه قورحانه ~~ص~~
داشت آنها را شکست داد

۲۴۲۷ - ۲۷ اپریل

در جزیره (پلماس) هولندی ها نشانی
امریکا را کرده برق خودشانرا نصب نموده اند و
همچو تصور می شو در این اقدام دولت (هولند)
اعتراض نخواهد شد چه جزیره مذکور برای
امریکا دارای هیچ فایده نبود

§ بموجب تلگراف تاجیر (میجر بریمند) که
برای الحاق (بوئست) حرکت نموده بود دومرتبه
۲۱ شهر جاری به (۶۰۰۰۰) نفر باغبان (شروده)
حمله نموده نموده پس از اینکه فضای سخت بدشمن داد

آنها را عقب نشاند ولی بواسطه نازکی حال شهر
فاس مجدداً بد آنها عودت نمود
§ سفیر فرانسه در برلن بوزیر خارجه آلمان
رسماً آگهی داده که دولت فرانسه را هیچوجه
انحراف از عهدنامه الجزیره در اقدامات کنونی
مراکو مد نظر نیست

رفت یاشا وزیر خارجه در پارلمان عمانی اظهار
داشت که اگر دولت جبل اسود از تأیید باغبان
آلبانی باز نیاید دولت عمانی مجبوراً او را طرف
خواهد داشت

§ بعد از کوشش بسیار اگنت قونسل فرانسه در
الغدار نتوانست آذوقه و قورخانه و پول به میجر بریمند
برساند قشون (فاس) وقشون بریمند که سی میل
فاصله دارند از تأیید بیکدیگر عاجز مانده اند فقط نامه
و پیام بتوسط قاصد های مخصوص رد و بدل می شود
و این قاصدها با کمال خوف شبانه حرکت می کنند،
§ سپاهیان عرب از تحت امر مسبو بوئست خارج شده
و در رود خانه (وریا) محض اینکه آذوقه نرسد
جهازات را خرق نموده اند، همینکه او اطلاع یافت
که بریمند بطرف فاس عزیمت نموده فسخ عزیمت کرد
§ سه هزار قشون (کونیویل) فرانسه کمتر از
۲۰ روز بشهر (فاس) نتواند رسید

§ بموجب خبر (مراکو) ریورت هائیک در
خصوص قتل آذوقه و قورخانه (میجر بریمند)
شده بود بی اصل و نزد مشارالیه آذوقه و
قورخانه قدر کافی موجود است

۲۴۲۸ - ۲۸ اپریل

§ بموجب خبریکه از بومیان عن انتشار یافته امام
یحیی که بر خلاف عمانی بیرق جنگ افراشته بود
در شهر (صنا) گرفتار گردید

بموجب خبر (تاجیر) بطریق غیر مستقیم قتل
(میجر بریمند) افسر فرانسوی بدست مراکویان
شهرت یافته است

بموجب تلگرافیکه از (کاسابلنکا) رسیده
(جنرال مونیر) بتباین (مراکو) اعلان داده که
که فرانسه را اراده ملک گیری نیست فقط قصدش
رساندن کمک بنوج (نیریفین) و محافظه جان و مال
خارجیه و باز گرداندن اقتدارات سلطان است - و
همینکه بناوت موقوف گردد فرانسه قشون خودرا

ز (فاس) حرکت خواهد داد. ورنه سخت ردوکنی خواهد نمود و به بلوایشان با کمال سختی شرا خواهد داد.

تذکرات راجع به اوراق

§ بر حسب نگارشات روز نامه ایران و وزیر خارجه ایران اظهار داشته است که اقدامات دولت انگلیس در مکران بدون اجازه و استمزاج از دولت ایران بوده است.

§ رفعت پاشا وزیر خارجه در پارلمان عثمانی اظهار داشت که اصل سوم معاهده روس و آلمان که در (ایونگ یوز) اشاعت یافته که آلمان متعهد است که در شمالی ایران تحصیل امتیازی نماید و نماید نکند دیگری را در تحصیل امتیاز در آنجا در معاهده روس و آلمان نام و نشان ندارد.

§ از تلگراف طهران ظاهر میشود که دولت انگلیس در خصوص راه آهن جنوب یادداشتی بدولت ایران تقدیم نموده، چنان تصور می شود که دولت انگلیس خواهش نموده است امتیاز راه

آهنی را از کرمانشاه بطریق لرستان تا یکی از نبادرکه در منطقه نمود است. در این یادداشت دولت ایران با کمال دقت غور و تأمل نموده و رد کرده است. ولی همچو مستفاد میشود که با وجود این جواب برای آید باب مخاره مسدود شده است.

عوجیکه روز نامه ضمن اطلاع یافته یادداشت دولت انگلیس به ایران اشاره مینماید نکنه رفته است که در سال ۱۸۸۸ ناصرالدین شاه وعده نموده که اگر در شمال ایران امتیاز

راه آهن بدولت دیگر داده شود در جنوب هم امتیاز بدولت انگلیس داده خواهد شد. طمس می یوسد که غرض از این اشاره این است که اگر امتیاز

راه آهن طهران تا خاقین را دولت ایران بروس دهد باید امتیاز بتصیر راه آهن از کرمانشاه الی محمره را بدولت انگلیس بدهد. چه همه روزه بر اهمیت تجارت محمره افزوده میشود.

§ حسب معلوماتیکه مخبر (روز) از طهران تحصیل نموده نگارشات طمس منباب یادداشت دولت انگلیس بدولت ایران در خصوص امتیاز راه آهن تمام مقرون بصحت است. جز جوایک دولت ایران

داده که مبنی بر رسید یادداشت و وعده غور نمودن بر آن داده شده است.

§ تلگراف طهران مشعر بر این است که کثرت استقراض از تنگ شاعنهای در مجلس شورای ملی دفعه اول قرائت و کلیاتش موضوع بحث آمد. تجویز فوریت آن و قرائت ثانوی و گذشتن از مجلس که وزراء بملاحظه ضرورت وقت بیت نهاد نموده بودند

رد کردید - رد این تجویز گویا يك گونه شکست کابینه است

§ بر حسب معلومات روز دولت انگلیس از دولت ایران خواهش نموده است امتیاز کشیدت راه آهن محمره از طریق حرم آباد الی کرمانشاه را - مبنای این خواهش این است که دولت انگلیس در غربی ایران سالانه (۱۰۰۰۰۰۰) پوند تجارت دارد. و بواسطه معدن نفت در آینده نیز خیلی امید ترقی می رود. لذا لازم نیست که هیچگونه تصور

بلتیکی در این خواهش بشود و ابدأ این مسئله هیچ ربطی به الحاق راه آهن بغداد ندارد. و بهیچ وجه مقرون بصحت نیست که دولت انگلیس با دولت عثمانی در این موضوع مقابله نماید.

ضمیمه منباب راه آهن ایران ضمنا خطالات خود را چنین ظاهر میدارد که امتیاز راه آهن حرم آباد منوط است بر اینکه امتیاز راه آهن طهران تا کرمانشاه را دولت ایران بدولت روس بدهد. و چنین تصور میکند طمس که خواهش راه آهن حرم آباد را دولت انگلیس بشوره دولت روس نموده است. بقول اخبار مذکور اسکار کردن سردار

اسعد از ضمانت راه تجارتي محمره از بختیاری لازم است خواهش امتیاز چنین راه آهنی را نموده (جدال من)

مواعد همراهی همسایگان و نطق بر نزاکت جناب محترم السطه وزیر خارجه در مجلس ملی وطن پرستان صمیمی را نزدیک بود امیدوار سازد که بد بختانه هنوز فرمایشات وزیر خارجه ما بگوش تمام ایرانیان رسیده مینیم خلاف گفتار همسایگان آفتاب می شود. از یکطرف رفتار فزاقان روس در اردبیل و دخالتهای جاوانه آنان و کشتار بیگانهان دهاقین حتی زنان و اطفال بیگناه و حرق خانههای بیچارگان و دخالت سنارت روس در اجرائیات بای تخت. از طرف دیگر اودو کنی

انگلیسان به مکران و ورود شان در خاک ایران و دخالتی که تا جایز بدون استمزاج از دولت و فتوای باب مشیخت در تصرف خزاین کربلا و نجف که علناً تجاوز از معاهده و حقوق ایرانیان است این دعاوی را ابطال می نماید و تصدیق میکند نگارشات ما را که نزاکت کاریه يك ملت

ضعیف با همسایگان قوی بجه نتیجه مطلوبه نتواند بخشید. بلکه نزاکت کاریهای ما را حل بر مرعوبیت نموده فایده حاصل می نمایند. اثریکه فرمایشات وزارت خارجه بخشید همانا سرد نمودن احساسات ملی و انحراف توجهات کامله مقام ملیع ریاست روحانی

و دخالتی که تا جایز بدون استمزاج از دولت و فتوای باب مشیخت در تصرف خزاین کربلا و نجف که علناً تجاوز از معاهده و حقوق ایرانیان است این دعاوی را ابطال می نماید و تصدیق میکند نگارشات ما را که نزاکت کاریه يك ملت

ضعیف با همسایگان قوی بجه نتیجه مطلوبه نتواند بخشید. بلکه نزاکت کاریهای ما را حل بر مرعوبیت نموده فایده حاصل می نمایند. اثریکه فرمایشات وزارت خارجه بخشید همانا سرد نمودن احساسات ملی و انحراف توجهات کامله مقام ملیع ریاست روحانی

و دخالتی که تا جایز بدون استمزاج از دولت و فتوای باب مشیخت در تصرف خزاین کربلا و نجف که علناً تجاوز از معاهده و حقوق ایرانیان است این دعاوی را ابطال می نماید و تصدیق میکند نگارشات ما را که نزاکت کاریه يك ملت

ضعیف با همسایگان قوی بجه نتیجه مطلوبه نتواند بخشید. بلکه نزاکت کاریهای ما را حل بر مرعوبیت نموده فایده حاصل می نمایند. اثریکه فرمایشات وزارت خارجه بخشید همانا سرد نمودن احساسات ملی و انحراف توجهات کامله مقام ملیع ریاست روحانی

اسلام بود و ره همسایگان ابدأ از تجاوزات سیاسی خود شان قدسی واپس نگذاشته بلکه بر تجاوزات اولیه بسی افزوده اند. دخالتهایی که قزاقان و سفیر روس در این دو سه ساله نموده بودند دیده شد انگلیس که تا کنون قشون بری در خنکی وارد نکرده بودند کردند. غنایان هم در مسئله تمتع و عمل مکنه و خزاین عتبات کار کرده بودند کرده و میخواستند بکنند هنوز هم ما میخواهیم با نزاکت و اظهارات دوستانه همسایگان را از تجاوز باز داریم. مکرر نوشته ایم که ایرانیان باید بدانند در مدرسه سیاست و دیپلوماسی لغت دوستی، انصاف یسندی، حق شناسی، وارد نگردیده دول را پای بندی به عهد و تا وقتی است که سیاست شان اقتضاء نماید و با موازاة و قوت واد طرف ملاحظه کنند. پس اگر ما میخواهیم با همسایگان مراعات نزاکت کنیم بدوا باید موقع سیاسی به آن ها داده توازن قوت را از دست ندهیم. موقع سیاست ایران امروز خیلی عالی است و اگر با کله های سیاسی کار کنیم بخوبی میتوانیم موقع خود مان را حفظ نماییم. ما مرکز طرفدار اجحاف و زیادتی به همسایگان هستیم و در مقابله با فروتنی و تواضع و نزاکت کاری هم که مرعوبیت ما را ثابت میکند همراه نمی باشیم و مرکز حسابات ملی را که بزرگترین مدافع خارجی ماست گشتن نتوانیم خواست بپذیریم ما آن چه امروزه بتواند جلوگیری از اجحافات همسایگان باید همانا حسابات ملی است بطریق عقلای و ماقائل نیستیم نه بایکوت امنه متجاوزین را تا وقتی که همسایگان کاملاً ترک تجاوز نمایند ترک نماییم. چنان چه قایلیم که قشون روس از قزوین خارج نگردید مگر از اواز حسابات ملی. و هرگاه این تجاوزات باین وتیره باقی ماند هیچ چیز دفعش نتواند نمود جز حسابات ملی. آیا باین تجاوزات علی خارجهای چه اطمینانی در ملت برای کابینه جدید باقی تواند ماند؟ و کابینه وزرا چه دلیلی ملت را از ابراز حسابات نسبت به همسایگان باز تواند داشت؟

گویم بد و گر نگویم بدتر، با آن همه بیانات حسنه در همراهی بایران در مجلسین انگلستان می بینم پیش از پیش از یکطرف قشون بری و بھری انگلیس در مکران وارد میشود و از طرف دیگر در پارلمان انگلستان وزارت خارجه اظهار میدارد که این لشکر کشی باتفاق و تجویز دولت ایران است، از طرف دیگر در پارلمان انگلستان بملط بحث میشود که روس در شمالی ایران امتیاز راه آهن دارد و همین راه دولت انگلیس ساحی میشود که راه آهن از محرم تا کرمانشاه را امتیاز گرفته و چون از وزاوت

خارجة ایران برش میشود تکذیب می نماید که دخالت انگلیس در مکران مجازة دولت ایران نبوده است. و روس هم دارای هیچ امتیازی در ساختن راه آهن شمال ندارد. البته وزارت خارجه ما بروست عملی لازمه را در این تجاوزات و بیانات غلط انداز فرموده اند، باز آنگار میکنیم که چشم داشت ایرانیان به همراهی همسایگان چشم داشت آب از سراب است

وزرای محترم ما بخوبی واقف اند که نباید به مواعید هر قوی همسایگان اغفال و اقتاع شد، ما را چند وظیفه حتمی در پیش است که فوت هر يك از آن ها مورث ندامتهای عظیمه تواند گردید اول شناختن موقع سیاسی خود و تشبثات سری و علنی سیاسی و رقابت تراشی تا وقتا موقع امر روزی ایران را محفوظ توایم داشت، دوم بهیچ حسابات ملی و مستعد ساختن ملت بذرایع مختلفه چه ماسم مذهب چه مملکت و وطن پرستی و اصول محافظه کاری ما در ملت موقع لزوم بتوان در مقابل اجحافات همسایگان فایده حاصل نمود، چه امروزه قوای دفاعیه ما منحصر بحسبات ملی است و هرگاه این قوت با اغفال یا تدرعوبیت دست از هم بر دارد بقوتایی (الحق لمن علب) هیچ چیز مانع تجاوزات همسایگان قوی پنجه نتواند گردید، سوم استقامت ایرانیان و سر اسیمه نشدن شان از فشار همسایگان در حفظ راه آهن مملکت خود، چه مکرر نوشته ایم راه آهن مسئله حیات و محاسن ایران شناخته شده هرگاه بوسیله از وسایل همسایگان بنجته خود را بذریعه راه آهن به ایران بند نماید تا خاتمه استقلال ایران دست از ما نخواهند کشید، چهارم تهیه نمودن قوا و نظامی و وزیر سلاح آوردن ملت و مشق اجباری است، چه ناوقتیکه ایران دارای قوای دفاعیه نگردد ممکن نیست از فشار همسایگان خویش ایمن ماند، امروزه ایرانیان اگر حس ملی دارند پرستش مذهب حقه خودی نمایند مستوجب خلعت آزادی و استقلال خود را می شناسند، باید ترك کلیه مصارف فضول نمایی را نموده از تحمیل هیچگونه مالیات سر بیچی نکرده سلطنت ملی خود را دارای يك قوه دفاعی صحیح بنمایند و در جمیع اقداماتمان سرمایه چشم کور کشیدن و با نقش و نگار بر سقف دیوار خانه شالوده کردن است بروگرام وزرا و تلگراف اخیر روتر ظاهر میدارد که کابینه جدید جداً تنقیب فرموده استقراری را که کابینه قبل از بانک شاهنشاهی خواسته بود - ما مرکز از عقیده اولیه خود باز نتوانیم گشت که استقراری از روس و انگلیس و بانک های آنها که بخت

توذ سفر هرگونه اجحاقی میخواستند بملت می نمایند حال ایران نافع نتواند بود و هر قدر مواد آن مستقر اض عاری از پلنگ باشد بقوه نفوذ سفرها بجانب پلنگ خواهند شکستاید و علناً بنگها تجاوز از مواد معاهده خواهد نمود. چنانچه امروزه صریحاً دارد از مواد امتیاز نامه خود تجاوز میکنند و مرا ابدأ قدوت جلوگیری نیست ولی نظر باعتماد و توفیق بوالا حضرت ناصرالملک نائب السلطنه داریم همین قدر بوزرا و وکلا توصیه مینمایم که در صورت مجبوری و مسدود بودن ابواب استقراض از مراکز بی طرف دیگر اهم از خارجه و داخله قبل از ورود در موضوع قرار نامه مشوره ما ایشان خیلی اهم و لازم است، و نیز وکلای محترم را متوجه میسازیم که قبل از اطمینان بمصارف این استقراض از روی صحت ورود به بحث این مسئله غلط است و لا اقل همین قدر صبر نمایند نامشاهای مایه وارد طهران شده هم در موضوع استقراض مشوره از آنان شده باشد و هم اطمینان نمایند که دست قلب از وجوه استقراضی که باین فضاحت و خسارات صوری و معنوی بدست مباد مامون ماند

همه میدانیم که جنس ایرانی الا شدویدر در موضوع پول ولو اوبس قرن باشد قابل اعتماد نتواند بود چه تا امروز از ایرانیان خصوصاً دیوانیان جرحیف و مبل و قلب در اموال ملت و دولت دیده نشده و دیانت و درست حسابی را تقیصه بررک خود بلکه حل بر ضعف نفس نموده اند، لذا اعتماد غلط است بلکه باید بقلب را مانند خارجیان مسدود ساخت، و این هم تا وقتیکه ایرانیان دارای ملکات فاضله نشود جز بدست مستشاران خارجی صورت نتواند بدست، خصوصاً در مملکتیکه برای هیچ گونه جنایت و خیانت وطن فروشی و تقلبات در مالیه دولت و ملت سزا و جزای معین نگردیده بلکه بلفظ سزا و جزا بطریق تمسخر و مضحکه می نگردند

← نقل از روزنامه شریفه استقلال ایران ←

(سؤال از کتبه امتیازات و وزارت)

(جلیله فواید عامه)

چون دولت علیه ایران مورخه ۲۷ جادی الاول سنه ۱۳۰۶ امتیازنامه بیانک شاهنشاهی ایران عطا

فرموده و در فصل دهم آن امتیازنامه مندرج و مشروح است که برای اجرا و حفظ حقوقیکه بموجب این امتیازنامه داده شده است بانک مزبور در ظل حمایت بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی و دولتشان خواهد بود، و بانک هم منقبت میشود که قوانین عمومی مملکت را از جمیع جهات محترم دانسته اطاعت نماید، در صورتیکه بین دولت و بانک یا مابین بانک و سایر مردم اختلافی ظاهر گردد هر یک از طرفین یک یا دو حکم منتخب خواهند نمود که حکمش بدون برگشت اطاعت خواهد شد

ولی متأسفانه دو این ۲۲ سال گذشته در اکثر نقاط ایران این فصل مجرا نشده و از این حیث کرورها دولت و ملت خسارت وارد آمده و احدی نبوده است که جلوگیری از این تجاوزات و تعدیات بنماید، وزارت امور خارجه و کار گذارهای سابق یا از عدم کفایت و کاردانی یا آنکه برای صرفه خود حتی المقدور همراهی و تقویت باین گونه تجاوزات بانک شاهنشاهی ایران و سفارت انگلیس نموده و ابدأ مراعات این فصل امتیازنامه بانک شاهنشاهی را ننموده اند، حال سفارت انگلیس این فصل دهم امتیازنامه را تصریح مینماید که فلان مطلب اختلاف تجارتی نیست یا فلان مسئله جنایتی است و سفارت یا قونسل گریها حق مداخله یا حضور در محاکمه دارند و باید امور بانک بوسیله سفارت یا قونسلگریها ختم شود.

لذا خواهش مند است آنچه بنظر آن انجمن محترمه میرسد و معنی این فصل دهم و ضمیمه هشتم امتیازنامه تعبیر مینماید عقیده و رأی خود را بتوسط همین جریده محترمه اظهار فرمایند تا عموم هموطنان مستحضر شوند که سایر مردم از چه طبقه اشخاصند و از چه قبیل اشخاص مینباشند، و آیا سفارت یا قونسلگریها هیچ حق حضور یا مداخله در امور دماوی بانک با دولت و اتباع ایرانی خواه تجارتی خواه جنایتی و غیره دارند یا خیر؟ و آیا این امتیازنامه بمیل دولت علیه بیانک شاهنشاهی عطا شده یا بحکم دولت انگلیس یا سفارت گرفته شده که هر قسم دولت یا سفارت انگلیس بخواهد دولت علیه ایران مجبوراً اطاعت امر باید بنماید

(قیمت اشغال)	▶ و ملاحق الحد اچره بدون قبض ندارند و وان ... (۱۲۰۰) ▶ (قیمت اشغال)	(مدیکل کالج - استریت هبر)	HABIBUL MATIN OFF 4, MEDICAL COLLEGE STREET CALCUTTA.
(هند و برمه)	▶ ماه مقدمه ▶	(مدیر کل - ژیدالاسلام است)	(کلبه امور اداره با)
(۱۲ رویه - ۷ رویه)		(مردوشنه طبع)	(مردوشنه طبع)
(ایران و افغانستان)		(ماه شنبه توزیع میشود)	(ماه شنبه توزیع میشود)
(۴۰ قران - ۲۰ قران)		(یوم دوشنبه)	(یوم دوشنبه)
(عمانی و مصر)		۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۹ هجری	۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۹ هجری
(مجیدی - ۳ مجیدی)		(مصاد با)	(مصاد با)
(اروپا و چین)		(معروف اداره درج نمیشود)	(معروف اداره درج نمیشود)
(۳۰ فرنک - ۱۶ فرنک)	▶ سنه ۱۳۱۱ ▶		
(روس و ترکستان)			
(۱۰ منات - ۶ منات)			

المنتخب

در این جریده ز هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملق بحث میشود
(مقالات عام المغه مقبول و در انتشارش اداره آزاست)

انا لله وانا اليه راجعون
(تلمه عظیم بهوالم اسلامیه)

علامه محبر شرق و فاضل شهر غرب خان
بهادر شمس العلماء داکتر سید علی بلگرامی بی -
ایم - ال - ال - دی - داکتر آف اینترچجر (کلکنه
یونیورسیتی) رایل انجینیر (بریطانیا) عضو رایل
اشیاتیک سوسایٹی و رایل سوسایٹی آف آرٹس ،
فرزید کوچک مرحوم خان بهادر سید زین الدین
و برادر کبیر حضرت علامه نواب عمادالملک سید
حسین بلگرامی که مستغنی از تعریف و توصیف و
معروف علمای شرق و غرب بود ، دوم شهر حال
در مردونی اوده غفلتاً مرض قلب مبتلا و در عمر
شصت و یک سالگی این جهان فانی را وداع فرمود
و عالم علم را نصیبت داعدار نمود . (رحمت الله
علیه رحمه واسعه)

مرحوم سید علی ازسادات جلیل القدر بلگرام
و از اصیل ترین خانواده های شیعیان هند و
خدمتگذاران بزرگ معارف اسلامی و خیر خواه
عموم مسلمانان و هوادار اتحاد اسلام بود .
در (پتنه) سنه ۱۸۵۱ مسیحی متولد و تعلیمات
ابتدائی را در خدمت عم بزرگوار خود خان بهادر
سید اعظم الدین ، سی - سی - ای - نمود ، بدو در
(پتنه) کالج امتحان بی - ایم - داد . وارد در

مدرسه انجیری معروف به رووکی کالج شده مرحوم
سر سالار جنک وزیر دکن که قدر شان علم و
علماء بود ایشان را جلب نموده در اداره مخصوص
خودشان جای دادند . در سال ۱۸۷ مسیحی بمعیت
مرحوم سرسالار جنک روانه اروپا شده و در مدرسه
معدن شناسی شاهی لندن داخل گردید . علاوه بر
تحصیل سایر علوم ، زبان آلمانی ، و فرانسوی ،
لاتنی و یونانی را نیز تحصیل نمود و در قلیل زمانی
در السنه مختلفه کمال ترقی را حاصل کرد . در فرانس
اسپانیا ، ایتالیا ، و آلمان سیاحت فرموده ، سپس
بمخیر آباد معاودت و بدو رئیس اداره معادن دکن
و سپس رئیس اداره داخله و من بعد رئیس اداره
معارف گردید . در سال ۱۹۱۰ مسیحی ترک ملازمت
گفته و بوظیفه تقاعدی نظامت قناعت و وزید و مجدداً
به انگلستان رفته در کالج بروکریج کالج بروکریج زبان مرهته
شد و امتحان برسنزی را داد ، در زبان سنسکرت
بدرجه دستگام داشت که بمنحش قرار دادند ،
نمدن عرب را از فرانسوی ترجمه نمود ، و در این
ایام مشغول تزیب کتاب نمدن هند بود و در کتب
تزیب بروگرام یونیورسٹی مسلمانان هند عهده
سکرتری یافت .

مرحوم سید علی بلگرامی از دوستان بیست
ساله ما و از حامیان صمیمی ترقیات ایران و معاونین
حقیقی این اداره اسلامی بود و مکرر مصمم بر رفتن
ایران و خدمت دولت اسلامی شد و چند نوبت

این جبل‌الذین مرفق ایشان را نموده دولت ایران را بحاجب ایشان برای خدمات عمده متوجه ساخت ولی افسوس سکه ظلمت استبداد و دوره انقلاب تهریفات ما را بی نتیجه گذارد ، امید واریم سکه فرزند ارشد ایشان سید محمد مسلم بهترین خلف و نیکوترین یادگار آن مرحوم گردند .

اداره حیدرآبادین اسالماً از سرف خود و وکالتاً از حب عامه ایرانیان هندوستان محضوره مبارکآواب همدانلک سید حسین بلکرامی و میجر سید حسن بلکرامی برادران و سید محمد مسلم فرزند ارشد آن مرحوم و سایر این خانواده تجلیه عرض تسلیم نموده حویشترا شریک انحصیت علمی میداند و بقای هر دو ترقیات این خانواده جلیده که چشم و چراغ مسلمان هندوستان از خداوند مسئلت می نمایند .

یادداشت والا حضرت ناصر الملک ائب السلطنه

(مجلس شورای ملی)

اقطاعات مملکت بلا شبهه فرع حریات قوانین قابل الاجرای همین و مدون است که وضع آن با رعایت وسایل موجوده و عادات است و مقتضیات مملکت از وظایف اولیه مجلس شورای ملی است ، قانون اساسی فقط یک معاهده راجع باصول است ، بالاخراد هیچ وقت نمیتواند مملکت را از احتیاجات بعضی قوانین دیگر و تعیین حدود و تکالیف مستثنی و بی نیاز نماید ، سهل است مبنای تحقق خود قانون اساسی موکول براین است که قوانین ادارات محاکمات و روابط افراد با یکدیگر و مناسبات آنها با دولت مدون و موجود باشد ، زیرا که قانون اساسی اصل و قوانین دیگر بمنزله شاخ و برگ و شعب و اغصان او هستند ، و البته هیچ درختی بی شاخ و برگ بارور نمیتواند بود ،

پس هر قدر خیر حوائف مملکت در وضع قوانین بتاخیر و مسامحه قایل شده قانون اساسی را کافی تصور کنند تنهات امور ، اشاعت امنیت ، و عدالت و تهیه آسایش و سعادت عموم منتفع خواهد بود ، ایجاب را از استماع کله (مشوایت) سسته امروز در تمام محاورات و مکاتبات معمول و مصطلح است حقیقتاً حیرت حاصل است و هیچ نمیتوانم تفسیری پیدا کنم که در صورتیکه هیچ قاعده معین

و دستور نوشته شده مدعوی در دسترس نیست مشوون کنندگان در مقابل چه معنی ناطق باین لفظ مشوون شنوندگان در مقابل چه قرار دادی مصداق این کله واقع میشوند ، یک وزیر یا یک مأموری از مقصدیان امور را وظایف رفتار چیست ؟ و کجا نوشته شده بکدام ترتیب رفتار نماید ؟ چه قسم ادای وظیفه کرده و از چه ترتیبی مخلف ورزد و چه اقدام مرتکب ترک وظیفه شده است ، در خدمت و خیانت درجات پادشاه و مجازات کدام ، و حدود تشویق و توبیخ از چه قرار است ، تا ارباب امور مطابق آن دستور با مأمورین تابع خود رفتار نمایند و خادم و قصر نیز از روی همین اصول خود را بحق یا مقصر شناسد ، راست است مشوایت در کلیات عقلی همیشه بر اوایای امور وارد است ولی در تصدی امور مملکت جزئیات بی اندازه است و نتیج نتایج کلی میشوند ، و تا همین باشد مشوایت تحقق پیدا نمیکند ،

با این مقدمات جای شبهه نیست که هر قدر زودتر بوضع قوانین مقصیه اقدام و اهتمام شود در است و تاخیری را که شده حیران حاصل نخواهد بود ، آنچه در این موقع لازم و معمول به عالم است تشکیل و تأسیس مجمعی است که اشخاص قانون دان و ارباب امانت و بصیرت از اوضاع مملکت حاضر شده لدى الضرورة اورای قانون را تهیه و مجلس پیشهاد کنند که هم وقت مجلس تضییق شده و هم وضع قوانین لازمه بتاخیر نیفتد و طهورات غیر مترقبه که غالباً بواسطه سلیقه های شخصی و ناشی از خود سری و بی لجامی است ، بزرگ و کوچک ، آمر و مأمور را بلا تکلیف میکذارد ، تا حدود قانون محدود و محدود نشود مجری بر مجازات مانند خدمت گذاری مایوس نشود مقصدیان امور در مجازات مقصر عنایت نمایند یا بالعکس رسوم جاهلیت را از قبیل مکه و قطع اعضا ، که مخالف با شرع و عقل و انصاف است در اعمال خود تجدید و روح شریعت و انصافیت را زایل نمایند ، حالا توضیح چند نکته در این موضوع برای رفع شبهه لازم است . اولاً باید مسلم دانست که در نوشتن قانون بعضی توجه های ناقص مفید هیچ فایده نتواند بود زیرا هر مترجمی

واضح قانون نمیتواند باشد اصطلاحات قانون جدا و هر علم و عمل مخصوص ارباب همان فن و مظهرین همان اصطلاحات است.

باید اقتباس از قوانین مختلف بی نتیجه بلکه فوق العاده مضرات. زیرا قانون هرملکتی از روی عادات اخلاق و رسومات همان مملکت اتخاذ میشود تا قابل الاجری باشد.

و اگر غیر از این بود بایستی قوانین تمام ممالک منمده بامم مطابق و همه دارای یک قانون واحد باشند و حال آنکه قوانین هیچ جای عالم مطابق با یکدیگر نیست و اختلاف بلا نهایت دارند و اقتباس از قوانین مختلف اساس معلوم است چه حالی خواهد داد.

مانند باید در نظر داشت که قوانین باید برای احتیاجات حاضرة مملکت وضع بشود نه برای فرضیات. تا باعث تضییع وقت و تولید مشکلات بی ضرورت گردد.

بالا از تمام اینها اینست که قوانین باید بایک احاطه و دقت جامی نوشته شود که با یکدیگر مربوط باشند و هیچ ماده از مواد آن تا هیچ وقت نتواند با مواد دیگر مصادمه و معارضه حاصل کند چون حق التقدر باید راضی به تضییع اوقات مجلس محترم شد. تاسیس این مجمع هر قسمیکه مقتضی باشد در خارج از حدتیمات است تا مظهرین احوال مملکت و ارباب بی حضور داشته لیدی الضرورة با ملاحظه عادات و اخلاق مملکت و وسایل موجوده برای احتیاجات حاضرة وضع قوانین نموده بمجلس پیشهاد نماید و تاخیری در ادای این فریضه فوری حاصل نگردد و چون در قانون اساسی مصرح است و قوانینیکه در اینجا وضع میشود نباید با قوانین شریعت مطهره مخالفت داشته باشد.

تکرار آنرا در اینجا زائد میدانم و معلوم است در این صورت از مظهرین قوانین شرعی هم در آن مجمع حضور خواهند داشت که نظریات خود را اظهار نمایند.

مشله حیات و ممات یا راه آهن ایران تمام مناقشات سیاسی و اقتصادی و قبای قوی بجه در مشله راه آهن ایران خانه می پذیرد و در حقیقت به نقطه عمل و تدلی ایران یک حکم قطعی میدهد. بصارت ساده هرگاه ایرانیان امتیاز یک وجب راه آهن وطن اسلامی خود شایسته را بروس یا انگلیس بدهند نه تنها خویشتر را از موضوع رقابت دولتی خارج نتوانند نمود بلکه طوق عبودیت و اسارت ابدی را بگردن انداخته

خط بطلان بر حقوق حکایت چند هزار ساله خود شان خواهند کشید. در آن صورت تقسیم ایران حتی و زوال اسلام عینی و اسحلال شرف و ناموس مان قطعی است. هر کس که نظر دور بین و دانش عبرت گیر دارد تصدیق تواند نمود مسکه هر قدر اقوام قویه در ممالک ضعیفه دارای امتیاز تجارتن و سیاسی کردند مواد انقلابیه در مملکت پیش خواهد گردید.

ایرانیان اگر چشم عبرت باز و نظر همیشه بر مملکت اسلامی مراکو انداخته حال فلاکت اشتغال وی را بنگرید نتیجه امتیازات سیاسی و تجارتن دول قوی بجه را در مملکت خود استنباط تواند نمود.

مراکو از بقیه الباقیه سلطنت امویه و آف دولت مقتدره اسلامی است که از ظلم و اجحاف اسپانیا پامال گردید. و از سلطنت های قدیمه و نهجیه اسلامی میباشد که امروز نزدیک است رشته حیات استقلالیه خود را از دست بدهد. چه بیدود هستیم ما مسلمانان که ابدأ از این واقعات فحیمه که بر برادران اسلامی مان وارد میباشد متأثر نمیکردیم! و چه بیصروت برادران هستیم که میبینیم برادران اسلامی ما زیر نیخ جلادان خونخوار افتاده بفریاد شایسته میرسیم و مانند اعمام به جرای خویش مشغولیم!

چه بیداینت مسلمانان هستیم! که می بینیم اسلام پایال و معابد و مساجد مسلمانان را دشمنان اسلام خراب و ویران نموده بگر مانقت و آینه خود می روئیم و خیره خیره باجساد برادران غرق بخون می نگریم ازی دردی مسلمانان تصور نمیکنیم که لااقل حسد کتبه مراکو را با باهاموی همدر راه از روی خاک بردارند ایرانیان نباید حال امروزی خود را از اوضاع کنونی مراکو بهتر تصور کنند که در فشار دو همسایه خود فرانس و اسپانیا هر دو از دول مظهره اروپا بشارند واقع شده. فقط آلمان بهمان قسمیکه ایران نظر انداخته بر مراکو هم نظری دارد. ولی ارباب در فشار دو همسایه قوی بجه یعنی روس و انگلیس که از اولین دول مقتدره عالم بشارند قرار گرفته.

مخیمتاسی سال قبل که همایگان مراکو را نمود و رسوخی نبود. ما آن عوامل وحشت مراکوئیات سلطنتش دو منتهای اقتدار و قادر بر مدافعه همایگان بودی. ولی از روزی که همایگانش باهم تجاروت و جلب امتیازات داخل دو سر کوشده بدادن رشوه و همراهی باهم قرض و همدست نمودن و ژسای اشرار را با خیالات خود هم روزی بر انقلابات و انتشارات داخل مراکو افزودند. ناجانی که امروزه مملکت مراکو باز بجه دست افسران

فرانس و اسپان شد. هر آن هر گونه انقلاب بر
اسم و رسم که بخواهند تولید می نمایند، مثل اینکه
امروزه همسایگان ما بواسطه دست هائیکه در داخله
یما نموده مقدر بانداختن هر گونه انقلاب شده اند
و همان نقشه را که فرانس و اسپانیا در مراکو
اختیار کرده تحت مشق روس و انگلیس در ایران
ست، و عمده سبب اقتدارات و اختیارات فرانسه
و اسپانیا در مراکو همانا جلب امتیازات خاصه
راه سازی در منطقه خود خودشان است.

مسلم است امروز فرانسه اختیارات خود آورد مراکو
را برای کشیدن راه آهن تا فاس پیش آورده است
و همینکه باین مقصود نائل آمد در یازدهم دولتین
اسپانیا و فرانس منطقه خودی که برای خودشان
عین نموده اند اعلان الحاق تریپولیتان خود خواهند داد.
فقط صبر آنها را چند علت در پیش است که عمده
آتش نگرانی آلمان شناخته شده و منتظر اند که
در یکی از مناقشات سیاسی که همه روزه دول
مطمئن را پیش می آید معاوضه با آلمان داده گوی
مراد بر بایند و یا موقع مازکی در سیاست برایش
آلمان پیش آمده خلک مقصود بجهانند در حالتیکه
آلمان را موقع چون و چرا نباشد، چنانچه استریا
در الحاق هر سگ و بوسینا نمود.

بالجمله اگر ایرانیان به مسئله راه آهن کلاً
صاف توجه نموده و موقع حصول امتیاز بروس و
انگلیس دهند در یازدهم موقع کنونی مراکو را
احراز نموده و استقلال دیرین خودشان را خامه
خواهند بخشید، و همینکه یک وجب امتیاز راه آهن
به یکی از همسایگان داده شد آتش دیگری امتیاز
دو وجب را گرفته این سلسله تا خامه استقلال
ایران ختم نخواهد گردید.

ایرانیان راست که سر از با نشناخته آرام
نگیرند تا این آخرین دندان طمع همسایگان حریص
را نیز از ایران بکشند و این امر ممکن نیست مگر
اینکه سلسله جلیله روحانی و تجار محترم قدم
جسته سایر طبقات ملیه هم همراهی بدیشان نموده
یا برای کشیدن راه آهن ایران تشکیل کمیسی
ملی داده و سریعاً شروع بکار نمایند و یا با هم راه
آهن حسینی اسم مذهبی بر آتش نهاده ملت را
بهیجان آورده و کاملاً متوجه ساخته طمع اجانب را از
راه سازی ایران مرتفع دارند و بدانند که از
این و بعد ایران تا دیر باز نمیتواند بدون راه آهن
بماند و اگر ما خودمان عاجلاً دست بکار نشویم
همسایگان قوی بجهه ما را بحال خود نگذارند خواه
مخواه امتیاز راه سازی را خواهند گرفت.

امروز صلاح ایران نیست که خویشان را در

موضوع راه آهن چنانچه جراید اروپا می نویسند،
آلمان در طهران سعی است حق اولویت راه آهن
سازی را در کلیه ایران از دولت حاصل نماید
خویشان را در بجهت آلمان قرار دهد، چه اگر از
یک راه مفید باشد از راه دیگر ضرر تواند بود.
ایرانیان اگر شرف دارند، استقلال میخواهند،

آزادی می پسندند، دیانت حق را دوست دارند.
باید اگر بفروش زیور والبسه زمانه خود و باز
ذخیره قوت لایموت خویش باشد صرف همت نموده
به تشکیل کپان و خریداری سهام راه آهن بکوشند
مقام منبع ریاست روحانی اسلام، راست اگر
میخواهند زحمات اسلام پرورانه شایسته بدر برود
و خیالات اسلام بر باد ده همسایگان پیشرفت نماید
در موضوع راه آهن ایران و شرکت ملی و باطاعت
برای راه آهن حسینی جدید و فعالیت فرموده
نگذارند همسایگان از فشاریکه دارند بدولت می
آورند درین مقصود کایاب شوند، چه گرفتن
امتیاز راه آهن همان و رفتن استقلال این مملکت
اسلامی و زوال مسلمین همان است.

جمع طبقات ملت خاصه رؤسای روحانی راست
که در این موضوع خاص به ابراز حسینیات ملی دولت
را تنها نگذارند و تأیید کرده تا نتواند در چلو
فشارهای حق شکنانه همسایگان استقامت ورزد.
مکرر نوشته باز هم می نویسیم که مسئله راه آهن
تصفیه حیات و نجات استقلال ایران است.

پس جراید ملیه ما راست که بیشتر از مقالات
افتتاحیه خودشان را وقف این موضوع نموده ملت
را متوجه ساخته و خامت امتیاز باجنب را با آنها
حالی نموده و منافع تعمیر راه آهن را بر ایشان
تشریح نمایند و ما را یقین کامل است که مسئله
خلیج فارس و راه آهن بغداد به تصفیه راه آهن
ایران تصفیه تواند پذیرفت.

اگر ایرانیان در موضوع راه آهن ابراز غیرت
و همت نمایند برای همیشه خویشان را از موضوع
وقابت همسایگان خارج ساخته اند، و ره خدای
ناخواسته اگر باین طرف متوجه نشده و با نفیولیت های
بدون فعالیت مانند تشکیل بانک ملی و استعراض داخلی
و تلکرافات دوره اول شروخیت قناعت ورزند،
پس از اینهمه فداکاری و خسارات ملی و جانی و
قربانی هزاران شهیدای راه وطن موفق عبودیت و
اسارت همسایگان را با دست هائیکه خود گرفته و
بوسیده بگردن نهاده اند، چه خامه جمیع فداکاری
های آنان جز بابرار همت در تعمیر راه آهن
وطن محبوب خودشان حسن انجام نتواند پذیرفت.

تمام سلیقات مکرر بخوانند

(در اثر غلبه یک از یهودین نجف اشرف)

(نمره سوم)

(مسلك الامام في سلامة الاسلام)

(و يحيى منسى عن ينة - اهلك من هلك عن ينة)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

پس از شرح و تمهیل این مقدمات نتیجه این است که بیان کنیم وضع احتیاج امروزه و فردای ما غیر از دیروز است، و به مقتضیات این عصر مسلمین ایران چیزیکه در حالت کنونی از علما منتظر و متزقب هستند غیر از آن است که پیش انتظار داشتند. مسلمانان و ملت ایران این حقیقت را طوایف هستند چنانچه در پیش شرح دادیم علماء کنونی مأمم پیروی از قانین کرده و تبعیت باخلاق سیاسی اسلامی مولی المؤمنین علی علیه السلام در تمام جزئیات نمایند، آن مزایا و افکار سیاسی که امحضرت در توسیع نطق اسلامیت و حفظ از دیار شوکت مسلمین می پرورایند اینها هم چنین باشند.

حضرت امیر علیه السلام در یکی از وقایع حرب که شخصی از لشکر مصاو به خلخال زن ذمیه را جبراً گرفته بود میفرماید: (فلوات امرأت من بعد ذلك اسناً ما كان ملوماً بل كان عندي جديراً) یعنی اگر مسلمین بعد از دیدن و شنیدن این ننگ از ناسف میبرهند شایسته بود پیش من و جای ملامت نداشتند، غرض از ناسف آن بزرگوار این بود که نباید بشوکت اسلام صدمه وارد آید ولی امروزه ارکان اسلامیت در تزلزل است و مسلمین از سب و بیجا ملیون که مجز شصت ملیون که صورتاً استقلال دارند باقی همه در زیر برق کفر اسیر وزیر دست هستند، و از آثار اسلامیت بجز لفظ مسلم در روی آن بچارگان چیز دیگری نیست در دین و اخلاق و ناموس آن مظلومین همه کونه تصرف کرده و ذلیل وزیر دست خود کرده اند. باز پیشوایان کنونی هیچ از خواب غفلت بیدار نمیشوند و هیچ ملتفت اینکه استقلال اسلام و شوکت اسلامیان چیست و با چه حفظ میشود نیستند، خوبست مختصری از حالات و ایشهای خلعت کنونی واکوش زد مسلمانان بگویم، امروزه چنانچه بگویم از طلم اسلام و استقلال مسلمانان بگویم که با سیر و وزیر چیست اجانب نمود مگر

دو پایه قطعه مرکز اجتماع اسلامیان مسکه یکی از آنها ایران و وطن عزیز اسلامیان باشد. حفظ شوکت استقلال اسلام مسکه شارع مقدس حابه و مدافعه او را اولین و وظیفه اسلامیان شمرده و فرض حتی کلیه مسلمین فرموده به طوریکه خود رئیس المسلمین علی ابن ابی طالب علیه الصلوة والسلام در خصوص خلافت میفرمایند که اخذ حق (خلافت) برای من صعب است ولی رفتن اسلام مشکل تر است و تم بیعت کردم تا اینکه استقلال اسلامی محفوظ بماند. و کذاک حسین ابن علی ابن ابی طالب علیه السلام که قره العین حضرت رسول (صلعم) بوده و پاره جگر فاطمه زهرا او علی المرتضی علیهما السلام بود و چشم و چراغ و پیشوایان اسلامیان بود شارع دین اسلام رضا میداد و میفرمود که خود و خانواده خود و یاران و اصحاب خود را همه فدای ناموس اسلام بکنند. سید الشهداء بالبداهه عالم بود که هفتاد تن در برابر آنچه خودخواهران ظالم نیروی متساویه ندارد ولی شارع دین میفرمود و پاره جگر حضرت رسول خوشنود بود برآنکه هفتاد تن فدای چندین هزاران مایونها اسلامیات بشود که تا اکنون آمده و پس از این خواهند آمد و با اسلامیت خواهند مرد، چنین تکلیف که پیغمبر ما پیشوای اسلامیان بر یختم خون خود ادای او را میفرمود ما او را عمل نمیکنیم و وظیفه خود که نمیشناسیم سهل است ما اسلامیان خود مان بدست خود در امانه و تخریب این دین که باخون مطهر هزاران شهدای مقدس استقلال و شوکت یافته میگوئیم و داریم اندک اندک اضحلالش را می نایم نه تنها اسلام بلکه شارع اسلام و اثیة دین که مؤسین استقلال اسلامیان بودند اسباب اضحلالش را فراموش می نایم.

می برسیم آیا روس و انگلیس را ما هابر مسلمین مسلط کرده ایم یا خود بخود آمده اند، ببارة اخری طی دین اسلام روس و انگلیس است یا ما خود مان هستیم؟ بل ما هستیم که در مقابل زیور زنان و خرف بینگان دین و استقلال و ناموس را میبیم و میفروشیم و از این رو میگویند که تجارت مادر ایران از ناامنی در خطر است، مجبوراً باید مداخله کنیم. ما هستیم که دین و ملت را بخلاکت افکاشته

ایم یا اجانب است؟ ما هستیم که زوئی که روح مملکت و شوکت اسلامیت است بر اجانب همه می نایم و آنها اسلحه کرده و دین و جان ما خصم میشوند. یا بخودی این همه نفوذ پیدا کرده اند؟ ما هستیم که يك سلطنت اسلامی را سکه باخونهایم يك شهداء و شهادت مثل حسین سید الشهداء قائم شده تبدیل به سلطنت کر میدیتم یا بیگانگان قهرماً میکنند؟ و حال آنکه اگر کار باین جور رود قهرماً مملکت زیر جناح احاب رفته (حداود بصیرت بدهد اشخاصی را که از احکام واجبه مهمه اسلامی غفلت کرده و مشتغال مساجبات حزیه خود را قسم الحیه والتسار فرض میکنند) به محض نجدد يك لسل اصل اسم محمد ان تبداله و اسلام را فراموش خواهند کرد (مثل ادلس) ای تدینین و مقدسین، ویشو ایان عقلت شاست که امامه اسلام می نماید حی اینکه در حفظ شتون اسلامیت و شوکت اسلامیان سعی نایم در عاق و دت و تخریب اسلام و مسلمین کوشش می نایم. امرهزه از و ظایف مهمه علماء اسلامیان این است که این قرض دین بر بادده و حانها بسوز که یکدشت ارادل بیدین می شرف از روس نمودد و جای اینکه صرف مصالح ملت باید در توضیح حقوق مات و شروت نفس محن خودشان صرف کردد. از لوت این مار خار مایه محو دین اسلامی و اسلامیان را برحماند و محض احباب اسلامیت جمعیت در تحت ریاست یکی دو نفر از محترمین بشوایان تشکیل دهند و بنام ولات و ایالات و بلاد و قصبات و دهات شعبه ما تشکیل نمایند و خطبا و ناطقین و واعظین را بمنبر کرده و تشویق این مساوت اسلامی را حفظ اساس اسلام و ادار سازند از اعاه و سایر حقوق شرعیه هر اسم و رسم باشد امر فرمایند که برای این مقصد اسلامی مساوت کرده و حقوق اسلامی خود را اداسازد. امروز ممکن است اگر مسلمین قسم از سهم اعاه علیه السلام را برای توبه غزای عسکریه و حفظ بیضه اسلام که ببارت اطرای استقلال مسلمین است صرف نمایند چونکه مصارف سهم امام علیه السلام باوجود نفیبت حضرت اولی نفسن ارواحنا فداءه قیناً باقر مصرفی نمود. و لیسر

موردی که حضرت مجتهدین مصرف میدهند. چون جواز تصرف و انوط باحرار رضاء معصوم میدانند و در اعصار سابقه... زویج دین نحو دیگری بوده حالا نحو دیگری شده امروز حفظ اسلامیت غیر از قواء حریه و دار الزنون معظم اسلامی که در قم یا مشهد تشکیل خواهد شد امکان پذیر نیست و اگر تدقیق و تحقیق نایم می بینیم که غیر از قوای دفاعیه حالا نه امنیت داخلی و نه سد تجاوزات اجانب خواهد شد. دوزمان سابق علمای اعلام حقوق واجبه را بمصارف عسکریه مصرف نمیزد. و چون انوقت از قوای دول اجنبیه و ترقبیات محیر العقول آنها غافل بودد. حالا اگر تمام زکوت و سایر حقوق و اجبه ابرانوا جمع کنیم بعد قیمت يك کشتی یا دو کشتی زره بوش خواهد شد بکاماده سایر چیزها که عقل انسان متحیر است حالا بهمین مندمه می نایم بگوئیم که تا انزمانیکه حی نرس و خوی از مهاجرات بابتکی یا اقتصادی یا حربی در ممالک مسلمین هست رضاء معصوم منجر بتقویه قواء دفاعیه و تحصیل علوم جدیده که میتوان جلو حملات اجیب را گرفت. محقق متأخرین شیخ مرتضی اعلی الله مقامه صریح در مکاتب خود میفرماید که سهم امام رابطه مجتهد ندارد بلکه جواز مداخله مجتهد از این رو بوده که شاید محل و مصرفش را بصیرتر از معطی باشد و بهتر بداند. بداعت و عقل هم حاکم است که جایکه رضای معصوم احرا از بشود و معطی خود را بصرف اعرف ان مقام بداند انوقت باید خود مباشر ادای تکلیف خود باشد. حالا میخواهیم بپیم آیا امام علیه السلام باستخلاص مملکت اسلامی که اسلام و مسلم و علائم اسلام یاقاً و استقلال او باقی خواهد ماند رضا دارد یا نه؟ هیچ جای شبه نیست اسلامی سکه شایع دین مدافعه و برا از اهم فرایض اسلامیات شمرده امروزه هم هیبه قوه عسکریه و ترتیب قوه حربیه که محافظت اسلامیت فقط بسنه باوست و از اهم فرایض اسلامیات است. آیا امام رضای نیست که این حقوق شرعیه جمع شود. و هر قسم قوه که با او می شود حفظ بیضه اسلام تهیه گردد؟ آیا امام رضای نیست که این و چون شرعیه جمع شده و فرض دومی که اسلام و مسلمین را بطوار و باذلیل کرده خواهد بود و کفر بر اسلام باطل نماید و هیبه نداریم که

وجود امام عزیزتر از سهم امام بود می بینیم در حفظ اسلام و نیکداری شریف اسلامیان امام علیه السلام خون خود را میریخت. علناً می بینیم که یوسف کافر در برابر علم اسلام و بیری صلیب در قبال علم توحید مقابله دارد و یک مملکت اسلامی را روس و انگلیس دارند در کال بی مبالاتی با انواع مشکلات اداخته و محبت تقسیم وی میدانند و هر ذی مدركی میداند که محو ایران بعینه محو عالم اسلام است. اگر ایران برود فردایش همانی هم خواهد رفت قبه مسلمین خواهد رفت، ضریح پیغمبر خواهد رفت، قبور ائمه علیهم السلام خواهد رفت کلمه مقدسه لا اله الا الله محمد رسول الله محو خواهد شد ناموس اسلامیات مضمحل خواهد گردید جنوب ایران اگر خلل پذیرد کربلا و نجف و مدینه و مکه و عالم اسلام عموماً خلل خواهد یافت.

این ها هیچ يك درست و تأمین نخواهد شد مگر اینکه ایران قوه حریبه و استمداد مسکریه اش مرتب بشود و او هم مرتب نخواهد شد مگر اینکه ماله و ثروت ایران مرتب گردد و مسلمین خارجه هم معاونت نمایند.

الفرض چنانچه نوشتیم علماء درین درمان و علاج آینده و امروزه حفظ شوکت مملکت اسلامی آمده و استقلال ایران را از ازم فرایض خود بشمارند و بهر جزء جزء درد های بیدر مات مسلمین آگاه باشند. مقام علاج آیند، و این نمیشود محز اینکه علماء تشکیل حوزه علمیه و اجتهادیه خود شانرا در داخله ایران فرموده و اقامت یکی از عتبات مقدسه مشهد رضوی (ع) یا عتبه معصومه قم را ملتزم شده و در داخله ایران گرد هم آیند و آگاه از درد های بیدرمان مسلمین باشند. چنانچه امیر المؤمنین علیه السلام محض حفظ شوکت اسلام و اطلاع بحال اسلامیان لذت و معنویت مجاورت ضریح مطهر نبوی را متروک داشته و تشریف بکوفه آوردند و حفظ شوکت و نشر اسلامیت را در این دیدند. امروزه اگر علماء ما نجبت از پیشوایان خود فرمایند و بخواهند تکالیف اسلامی و حقوقی که در گردن خود نیست با اسلامیان دارند ادا نمایند این است که باید در صورت لزوم و فوریت ساجت ایرانرا

باقدم مبارک خود میمون فرمایند. بیایند بدانند که مقتضای امروزه مسلماً نهاجست و چگونه و از چه راه توان شوکت از دست رفته اسلامیت و ایوانیت را تلافی نمود پیش بگیرند. و این امر چیز تازه نیست و به هیچ مرتبه و مقام روحانیت بر نخواهد خورد بلکه علماء اسلام ما اگر درست تصور فرمایند در این نوع از فرایض ذمه ایشان است و هیچ چاره و راهی و علاجی از برای حفظ مقام روحانیت خود و شوکت اسلامی نیست جز اینکه در این عصر مثل پیشوایان ما با مردم زنده گانی نموده و در میان مردم مثل یکی از افراد باشند و آمیزش فرمایند. و قیود را از خود بردارند.

امروزه اگر علماء بخواهند از راه و طریقش با ملاحظه مقتضیات عصر و بصیرت تمام در سیاسیات مملکت مداخله نمایند منافع ایشان بحال مملکت و ملت اسلامی بیش از دیگران باید خواهد شد در زمان هلاکو خان فیلسوف اسلامی خواجه نصیرالدین طوسی علیه الرحمه رسماً منصب وزارت داشت و مهم امور آن عصر در مملکت ایران دست ایشان بود و در تمام محاربات مشیر و مستشار بود و اینکه بحرف خشک و خالی قناعت نمایند و یا اینکه خود را گزاره گرفته و بعدم مداخله بامورات مهمه مسلمین ملتزم باره مطالب باشند که جز نفاق عنصر اسلامی نمیری نداشته باشد و باین امر مذموم هم فخر نمایند بگویند که ما باین کارها کار نداریم... انظار بعضی علماء این است که در زمان غیبت امام علیه السلام باید مجتهد رئیس امت اسلام باشد. چنانچه پیش هم شرح دادیم، میگویند بدون مباشرت مجتهد هر کس مداخله نماید باز معاونت ظلم کرده است

ارباب ادراك میدانند که دین اسلام دینی است که در میان ادیان ملل عالم مزیت و جبروت امتیازش باین است که فلسفی و عقلی و علمی است و اغلب احکامش منافات با عقل ندارد و شارع مقدس وی که خبر من عنده بود اشرف اینها بود امر بعرض غیر صحیح فرموده و نمیفرمود

همین اشخاص که قائل بقول مذکور می شوند اگر بعلوم و احتیاجات مسلمین در امروز بمقتضای عصر

اقتد نباشند چه طور تصور است که شارع تجویز
داخلات آنها را فرماید و چگونه میشود کسی که
الم خروج مسائل عبادیه مثل طهارت و نماز و
روزه باشد اورا شارع مرجع تعبدی بک جمعیت
سلاسی فرماید . یا کسی که اقصی درجه اطلاع
علمی وی در عالم منحصر بر این علوم باشد که به
بیم ظواهر الاط من باب ظن خاص حجت است
ا ظن مطلق شارع مقدس دین حنیف اسلام اورا
مرجع کلیه امور ملکیه و معاملاتی و حریه و عبادیه
ربانیه فرماید و اورا برپاست سبب و بجهت ملیون
نفس اسلامی به بیان و تشریح فرماید بداهت و عقل
هر عاقلی حاکم است اشخاصیکه در صورت عدم
اطلاع بر علوم لازمه اداره یک قصبه را نمی توانند
بکنند کجا برسد که ریاست ملکیه و ملیه و سیاسی
و حریه یک مملکت معلوم اسلامی را اداره فرمایند
الفرض جناحه گفتیم محض حفظ این علقه مقدسه و
اداء حقوق اسلامیان بایران تشریف آرند جناحه
بوشنیم موجبات آمیزش علماء با مردم و تشریف
فرمان بایران در ایام وقوع باریک عالم اسلامیت و ممالک
اسلامیه اگر خورده از روی انصاف تصور شود
از الزم حقوق علماء بوده و فوری ترین فرایض
اسلامیه آنان است مقتضیان حکم امروزه از برای
تشریف آوردن علماء بایران و آمیزش و زندگی
کردن در میان ایرانیان هست در هیچ زمانی و دوره
نه بوده است .

مثلاً یک فکر را بظن خوانندگان کرام رسام
و مرض عمام تصور فرمایند از روی انصاف و ممانعت
عقل به بیند اگر علماء عظام پیروی فرمایند و اورا
تأسیس و ترتیب بفرمایند چه قدر شایان ذکر و اهمیت
و معاونت به عالم اسلام و روشن اسلامیان خواهد شد و تا چه
اندازه تاریخ نه تنها ایران ، نه تنها آسیا بلکه
تواریخ عالم . این امر و معاونت بزرگ را به عالم دین
و وطن مؤثر شمرده و الی الامد از سلسله جلیله علماء
اسلام در این امر تمجید و تاخوان خواهند کرد
هیچ عاقلی و ذی شعوری شبه ندارد در اینکه
امروزه احتیاجات ما بیش تر و از روزی تر از عصر های
سابق است و این احتیاجات رفع نمیشود مگر با بسط
علم و تشریح معارف و تربیه اولاد وطن و تعلیم علوم
و فنون و صنایع این عصر ترقی و تمدن مختصرش این

است که ما نمیتوانیم دین و ملیت و وطن خود را
از چنگال این تسخیر کنندگان عالم و ابدول اجانب که
باقوه و نور علم ظلم را بتصرف خود آورده حفظ کنیم
و اگر ما باز در این بست مرتبه جهل بنامیم یکی از
آن ممالک خواهیم شد که آثار اسلامی و ملیه آنرا محو
کرده ورشته استقلال ایشانرا از هم گسیخته و خاک
ذلت و خواری را بر سرشان ریخته و در خانه
خود شان بی خانمان و ذلیل کرده اند مثل (اندلس)
که مملکت اسلامی بود و چه قدر علماء معتبر اسلام
از آنجا بیرون آمدند و اسلام و اسلامیات را
زنده کرده بود امروز اصلاً انسال ایشان برگشته
نه نامی از اسلامیت هست و نه نشانی عوض اذان
ناقوس شنیده میشود و حتی مساجد کلبه ها ، مثل
الجزایر و تونس که مسلمانان ریخته و به تمام عالم
پاشیده اند . مثل دانشگاه و فقها و بجاها و خیمه
و ترکستان و قازان و قرم که امروزه ماله و
اسلامی ایشان عالم اسلامیت را جگر خون میکنند
و در معابد و مساجد آت مدیون سلطان ایشان
عکس خود و زلفش را میاویزد و شب و روز سجده
مباید که آثار اسلامی را محو نموده و کاری بکنند
که نامش آینده نام و نشانی از اسلام نباشد مثل
سودان ، جاوا ، بلوچستان ، تونس و هر سگ و کرید
و هندوستان که صدای ایشان گوش عالم را بر کرده
و ارکان اسلامیت را بلرزه در آورده است

اطلب العلم من المهد الی اللحد

در این مدت انقلاب ایران ملت عجیب آن مملکت
کام و حقه دانسته و متنبه شده اند که در استبداد
کبیر و مشروطه ضعیف و حریت کامله و سلطنت مطلقه
از اشخاص نالایق که مسند حکومت آنان را اشغال
و مقدرات امور یک ملت بزرگ را مملوق باراده
و الهوس و هوس بیدل و رای شهوت رانی خود
بودند هیچ سبب و جهت نداشت مگر جهالت و
بی علمی خود ملت که آنها را از مقام علوی
بدرجه سنی کشانید . هر روزی مهمل خود را
بدست یک ساربان بی علم میدادند ، اینک بحمد الله
سلطنت مطلقه جلوس و ابواب سعادت معارف باز
و اسباب ترقی و تعالی موجود و نزدیک انتخاب سیم
اوکلان ملت اولاد موکلین باید از نوری بی غم
بی بصیرتی وکیل انتخاب نکنند ، در این کار بزرگ

موظفین دولت و ملت هم باید بدانند که سابقاً هروظیفه و مستمری که میکردند محض تن پروری و شهوت رانی خود دریافت می نمودند و در دوره بعد هرکس هر چه داده شود اجرت شبانی و مزد چوپانی آن هاست اگر بول ملت را بگیرند و بخورند و در مقابل او کار نکنند ملت این گونه باجهای تن پرورانه را نخواهد داد

مستنصرالسلطنه مصلحت گذار اسلامبول وقتیکه وارد شد گفت برای دو کار بزرگ آمده ام یکی اصلاح امور سرحدی و دیگری رفع وجه تمنع عثمانی است ، مطلب سرحد عوض اینکه عثمانی عقب برود جلو رفته و خاک ایران را هم اشغال کرده و وجه تمنع را هم عوض ده لیرا قدر سی لیرا اسباب حجرات تجار را خارت کرده بردید و مدتی است باین بی قانونیها مشغول و کسی را ندارم رفع تمدی آنها را بکنند، در (خانوالده) که هیچوقت قدرت نگاه کردن نداشتند با اسلحه وارد شده با کمال بی شرفی بشارت کردن مشغول شدید ، ماهیکنتیم هر وقت تبعه دیگران وجه تمنع را قبول کردند ما هم بول میدیم، ابتدا اعتنا نکرد و فرش حجره و سایر اسباب ما را جمع کرده با حال بردید و ما را پیش تمام طبقات خارجه خجل و شرمسار کردند. بلی انخطاب صحیح است ما فعلاً سر نیزه و قوه عسکریه قابل نداریم ، اما اگر سفارت کبری باشد این نحو امورات را اصلاح تواند کرد. از رجال دولت خواهشمندیم که از رفاقت شخصی صرف نظر نموده راضی بضایع حقوق یک ملت بزرگی نشوند و بگذارند آقای احتشام السلطنه باسلام بول بیاید بلکه بتواند حقوق تبعه را صیانت کند ،

عنایات یک کله (اتفاق اسلام) در میان انداخته و میکنند آن چه را که هیچ قوی برضعیف روا نداشته است ، گویا اولیای امور ایران هم گول این کله را خورده سکوت و احتیاس کرده همین مرعوبیتی که مملکت را در خطر انداخته باقی و بر قراراند، البته هر دولت و ملتی که نسبت بوطن مقدس ما تمدی و تجانی کند ولو اینکه اسمش را نهاد بگذارد ما نباید ساکت و صامت بمانیم و بگوئیم چون اتحاد داریم عیب ندارد بلکه باید با کمال فعالیت و جدیت

باندازه باید دقت شود که فوق تصور او ممکن نباشد ثانیاً هزار نکته باریک تر از مواجاست . پیش تمام اهل توارخ و اطلاع انخطاب اظهر من الشمس است که در عالم ظاهر خدمتی که از بعضی خلفای بنامیه و بی العباسیه نسبت بعالم اسلام بظهور رسید غیر از ائمه اطهار از احدی مشهود یافتاده بود ، پس چه دلیل داشت که با آن همه خدمات شبان و زحمت نمایان که باسلام و اسلامیان کردند باز مطمون برخی قرق اسلامیه کردیدند .

ایته عموم حق شناسان که از مسئله غاصبیت آگاه و مستحضرنه میدانند که این طعن برای اینست که چون از آنها اعلم و اورع وار مقتضیات وقت آگاه تر و وجودهای مقدسه ائمه بودند و آنها حق آمان را غصب کرده خود متصدی امور ریاست شدند این بود که تمام زحمات آنها مدروجیع حدما تشنان هبا بلکه نتیجه بعکس بخشید و ما دعاه الکافرین الا فی ضلال وکلای مملکت و نمایندگان ملت بدانند و آگاه باشند چه آهائیکه فعلاً وکیل هستند و چه آهائیکه بعد منتخب میشوند باید پیش از انتخاب هر کدام از خود اعلم تر و افضل تر سراغ دارند و می شناسند بملت ستم دیده معرفی کنند که وکلای دوره سوم همه زبده و عالم باشند و هرکس اعلم از خود سراغ داشته باشد و نشان ندهد و خود متصدی امور ملت بشود همانا در عدد غاصبین بشمار می رود و غاصبیت حقوق منحصر زمان ائمه نبوده بلکه تا قیامت ساری و جاری است، برای این دوروزه عمر حق عالم تر از خود را غصب نکنید و از منتقم حقیقی و طعن ابدی بترسید و موقع قوانین مملکت و سببی را بواسطه حب ریاست تضییق و تضعیف ننهائید و حق را بمن له الحق واگذارید، چنانچه در موقعی که این نگارنده را بجهت خدمات مله منتخب میکردند قبول نکرده و هرکس را از خود اعلم دانسته نشان داده ام که در زمره غاصبین حقوق نباشم ، انخطاب را نیز بهموطنان عزیز خاطر نشان میکنم که وکیل لازم نکرده حتماً اهل همان ولایت باشد باید اعلم و اورع باشد اهل ولایت بودن ابدان شرط نیست یقین است بعد از این همه خدمات دوره های گذشته ملت تکلیف بعد را دانسته و در مسئله انتخاب کاملاً دقت خواهند کرد ،



جلوگیری کرده تجاوزات آن را بروست نایم و فریاد کنیم و در جراند نویسیم و غرت خود را اظهار کنیم و از یانشینیم توفیقیکه آمهاده ما گوار را مرتفع سازیم، دولت قدیمه قویمه ایران از خیلی مملکتهای دنیا بزرگتر است و اهالی او جرار تر و شجاع ترند، ایلات و عشایریکه در ایران اند همه دارای مذهب واحد و دولت متحد هستند در لایر مملکتی هست رؤسا و اشراف و سرداران رشیدی که در ایران اقامت دارند در کتر حائ هستند، مثل وجود محترم منقّم ناصر الملک نایب السلطنه حایه با تعاون تمام عقلای عالم کتر مملکتی دارد.

حافظت مضمی و ماسیاتیك فائز - قمر فاعتم لفرصة بین العدمین این حسن فرصتی که تصادف نموده روا بست که قدر و قیمت او شناخته بشود، موقع از این بهتر پیدا نخواهد شد، روزی که بن دات کثیر البرکات مقام منیع نیابت سلطنت را به عهد کنایت خود گرفت متجاوزین و مرتجعین رحمت خود را نقش بر آب دیده چشم طمع از ایران پوشیدند، بن باید فرصت را عبیمت داشت و کار کرد تا اجرت جویان که از ملت رنجور میگیرید حلال تان باشد، و اگر خدای مخواستنه باز کما فی السابق شایبه عرض و مرض تصور شود ملت این باره را صبر نخواهد کرد، زیرا اینکه التزام نداده تا آخر عمر زحمت نکند و ریاست هوا پرستان را برقرار نماید بملازم دست عیب منقّم حقیقی هم در کار است و اشد الما قیبن فی موضع النکال والندمه.

امید است انشاء الله مستقبل را بر خلاف ماضی معمول داشته هر کس بر مرکب جهالت و سرخ رانی سوار است ما ملت رکاب او را هم میگیریم که با عزت خودش یابن بیاید و مکتب برود، تحصیل علم حقوق مشغول و شامرا دعا کند، و اگر ناخبتیار خود از مرکب عرض و مرض و حیلله سازی و یارتی نازی یابن نیاید دست ضمیمت و بازوی ولایت جامه صبر و شکیبایی را چاک زده میکند آنچه را و من خواهان حقیقی و مملکت دوستان واقعی کردند ما نگوئیم که تو باید مرض کرد عرض این عرض باز چرادر همه جا بسیار است ما نگوئیم ریاست در دوزخ باشد ناطق از اهل جهنم بخدا بیزار است

از رای مملکت امروز لشکر لازم است
لشکر یا جوج را سد سکندر لازم است
مافلان هر کار را در جای خود مجری کنند
فوق هر کاریکه اندیشد لشکر لازم است
ما نباشد لشکر کای منظم نیست ملک
لشکر جرار منصور و مصهر لازم است
ما را ما گفتیم و دیگر از هم خواهیم گفت
مکتب عالی برای اهل و کشور لازم است
فضل و دانش از برای مملکت داری نکوست
آسمان فصل را شاگرد اختر لازم است
کنج بیرنج از وجود قتل و عیب آید بدست
کیمیایگر را همی کو گرد احمر لازم است
هر این راهی که مار یک است و مار یک است و دور
چشم بنا هوش سر فکر ماور لازم است
فکر زر باید نمود آهم ز ملت بی ز عبیر
هر اصلاح امور مملکت زر لازم است
بعد از این صلیح دوران دلگیا آرد بدید
اقتضا چون پیش آید رنگ دیگر لازم است
اهل ایران را صری باید از مرکز رود
هر ولایت را سحنگو ما معذور لازم است
عیب هر کاری که بی بنید از مایه شد
هر این مایه یک تریب بهتر لازم است
عدل آن باشد که شامل باد بر هر خاص و عام
لا حرم عدلیه را عدل مقبر لازم است
امر استیفا خلل اداخت اندر کار ملک
عالم دیندار هر نسبت ده تر لازم است
یک رئیس قابل نظمیه را آرد منظم
حایه تدبیراترا حسن مقدر لازم است
امر احصایه را غفلت میباید نمود
و آسکین در هر مملکت همزه عسکر لازم است
تا حرار را شرکت و تشکیل کبسان نکوست
خاصه حاجی ملک تشکیل دیگر لازم است
کرد جوی را قیر و بکتر خود را غنی
حالی استمطابق آت مردستمگر لازم است
بصف اهل مملکت بی دانش و بی حرفت اند
کار نساجی برای اهل کشور لازم است
قدر ابرار را بدانید ای که دارندش پیر
بر مروس خوبصورت مهر شوهر لازم است

غیر ابرامت صحبت دیگر ز ماطق نشنود
 صحبت قلند مکرر را مکرر لازم است
 صادق الناطق البروجردی

و جوب بانک ملی

(قابل توجه مجلس مقدس)

(دار شورای کبری شیدانه ارکانه)

(و عموم ملت خروامان)

در اوایل افتتاح مجلس مقدس خیر خروامان
 ملت بحیال تشکیل يك بانک ملی اقتصاد مدنی هم
 شرایط و فصول آن مطرح مذاکره بود. از هر جا هم
 مردم همت کرده و بتدریج مقدور اطهار همراهی کردند
 ولی شرایط امتیاز آت بطوری سخت بود که
 موسسین بانک مزبور بدادن جزئی مبالغه که اهم رسماً
 در تصرف خود شان بود نقشه ریخته بودند که
 امتیازات عمده را از قبیل معادن و خط آهن
 حتی از سطح زمین گذشته به قعر دریا هم بیرون
 آوردن مرجان و مروارید را ضمیمه امتیاز بانک
 کرده و باین وسیله میخواستند باقی مانده حق
 این ملت بیچاره را یکباره باین اسم و رسم
 از میثاق ببرد. و الا بانک که باید فقط کارش
 صرافی باشد امتیاز خط آهن و معادن را چرا
 باید تقاضا نماید ولی خوشبختانه بمقصود نرسیدند
 حالا بنده میخوام عرض و بدلائیل و
 براهین ثابت کنم که بانک ملی از برای ما از واجبات
 است تشکیل يك همچو بانکی به مبلغ قلیلی بسیاری
 از نواقص کارهای ما را اصلاح خواهد کرد. و اگر
 بانک مزبور بطور صحیح اداره شود و در تحت
 منتشر و رئیس خارجه مثل مسیو زابینو رئیس
 سابق بانک شاهنشاهی تشکیل یابد محققاً رفع
 احتیاج ما را از فرضهای کوچک خارجه که قومیت
 و ملیت و استقلال ما را بونیقه ان قرض میخواستند
 خواهد کرد و بانک زمانی ما هم دارای اعتباری
 خواهیم شد که به واسطه آت اعتبار بتوانیم
 از بانکهای خارجه و سرامها میلیتی فرض کنیم و
 هیچ محل شبهه نیست که چرخهای اغلب اداره جات
 ما را همین بانک براه تواند انداخت -

(شرایط تشکیل بانک)

اول رئیس و بجانب کل چه در مرکز چه

در ولایات باید خارجه و از اشخاص متدین معروف
 بدوستگاری باشد رؤسای ولایات باید بمسئولت
 رئیس کل انتخاب شود و همراه هر کدام از این
 رؤسا باید یک نفر ایرانی عالم و معروف با مانت و
 دیانت باشد سکه اصلاح و صوابدید یکدیگر در
 امورات اقدام نمایند

دوم عمل ضرابخانه و سکه کردن طلا و نقره
 و اسکناس و اسناد استقراضی دولتی بعهده بانک
 مزبور باشد و هیچ کس از خارج مثل سابق حق
 سکه کردن نداشته باشد.

سیم - قرض داخلی را که مجلس مقدس تصویب
 فرموده و ملت برای اداء آن حاضراند باید در
 هر جا بواسطه همین بانک جمع آوری بشود و در
 عوض قبض رسید بدهند.

چهارم - وجوه کمرکات کلیتاً باید تحویل همین
 بانک بشود و ابدأ کسی حق اینکه دیناری از این
 بول برای مصرفی بر دارد و بمصرفی برساند نداشته
 حق اقساطی را هم سکه باید بخارجه بدهند باید
 حواله همین بانک بشود.

پنجم - اداره تلگرافخانه و پستخانه و سایر
 اداره جاتی که بمر دولتی در آنها خرج میشود
 مایدی خودشان را در آخر هر ماه باید تحویل
 اداره بانک بدهند.

ششم - اداره مالیه اقساط مالیات هر محل را
 اهم از نقد یا جنس تمام را باید تحویل بانک نمایند
 هفتم - مایدی که از معادن هر جا باید بدولت برسد
 چه معادن که دولت اجاره داده و چه معادن که
 خود دولت در آت کار میکند باید تماماً تحویل
 همین بانک بشود.

ما حاصل اینکه مایدی دولت از هر قبیل سکه
 باشد خواه حزتی خواه کلی خواه مستقیم خواه غیر
 مستقیم به هر اسم و رسم که باشد باید ابواب جمع
 بانک موصوف بشود و کلیه مخارج دولتی و حقوق
 قشونی و وظائف و مستمری و استصواب و غیره
 و غیره هر چه باشد باید حواله همین بانک بشود
 و هیچ اداره حق اینکه یکدینار برای مصرفی
 از مداخل اداره خود بردارد نداشته حق
 مخارج اداره خود را هم باید بموجب حواله
 از بانک اخذ نماید اقساطی را هم که باید بدولتین

انگلیس و روس بدهند باید حواله همین بانک نمایند
فوائد تشکیل این بانک زیاده از آن است که
بتوان شرح داد، ولی برای استحضار خاطر اولیای
امور مختصری از فوائد آن را که در واقع
توضیح واضح است عرض میکند -

منافع بانک

اول - اطمینان ملت بجهت اداء قرض داخلی که
اگر بولی بدهند از مبادی نخواهد رفت و بچنگ
مفت خواران نخواهد افتاد -

دوم - اطمینان بانک ها و صراف های خارجه
برای استقرار خارجی در موقع ضرورت همین
قدر که خارجه ها فهمیدند رئیس بانک آدم درست
است و از خود شان است بدون مضایقه هر قدر
پول باشد خواهند داد خصوص اگر بدانند که
حایدی دولت ابواب جمع بانک است -

سیم - سحت عمل ضرابخانه که در واقع ناموس
دولت است و مداخل آن که عاید ملت می شود
و باید خارجه ها نمیشود -

چهارم - ترویج اسکناس دولتی در صورت لزوم
مشروط بر این که منافی با قرار داد فیابین دولت
ایران با بانک شامنشاهی نباشد -

نجم - نبت و ضبط تمام اسناد و حوالجات چه
حایدی دولت و چه بودجه مخارج دولت که در هر
موقع میتوان رجوع بآن کرد -

ششم - سحت عمل دخل و خرج دولت بطوری
که در آخر هر سال بواسطه همین بانک می توان
دخل و خرج دولت را بملت نمایند -

هفتم - خارج شدن نروت ایرانیان از ایران
چه که سال مسامت بواسطه نبودن هیچ بانکی
اندوخته های اکابر و اعظم و تجار به بانک های
خارجه و به اداره یهودیها مسافرت میکنند و در
داخله پول های مردم در زیر خاک میاید و اعاب
از میان میرود -

هشتم - اطمینان قاطبه ارباب حقوق از لشکری
و کشوری که حقوق شان حواله به بانک خواهد
شد و در آخر هر ماه یا هر سال بدون کسر و
نقصان خواهند گرفت. یا اینکه بانک در حساب
آنها جمع خواهد کرد و به هیچ اسم و رسم از
حقوق آنها چیزی از قبیل ده یک و ده نیم و
قیمت نمر و خرج جیب و غیره کم و کاسته نخواهد شد

و البته از روی کمال اطمینان احیای خدمات خود را
خواهند داد -

نهم - کوتاه کردن دست خاشین و دفتر نویسان
که مبلغی بیت المال مسلمین را باجرت قلب میبرند
و بواسطه بی علمی و قلب آنها از چندین قرن باین
طرف هیچ وقت دولت نتوانسته که عمل مالیات
و حایدی خود را از روی یک ماخذ و میزان
صحیحی وصول نماید و بداند چقدر حایدی فلان محل
است، نه دولت تکلیف خود را میداند و نه ملت
که سال نازه چه مقدار باید بدولت بدهد، اینها
اسراری است که فقط در سینه حکومت محل و
مستوفیان نظام و مباشرین است، و غیر از
این سه نفر پادشاه جنیان هم خبر ندارد، و در
هیچ دفتری نبت و ضبط نیست. و غالباً در موقع
تبدیل حکومتها فردهای حساب مالیات هر محل
باندازه طبع مامورین و حکام تغییر و تبدیل میکنند
و از کیفیت مستوفیان عظام بشکل نازه بیرون
می آید، فرع زیاده از اصل که مثلی است معروف
مالیات مملکت ماست که یک اصل مجهول و سه فرع
معلوم دارد و غالب این اجحافت به کینه حکام و
مباشرین میرود -

دهم - سالی مبلغی صرفه خرج دولت است و
این بانک چون تمام حایدی دخل و خرج دولت
ابواب جمع اوست حساب صحیح نگاه میدارد و این
همه حساب بویس و منشی و مستوفی لازم ندارد
بجای اینکه از چندین محل حساب بخواهند و همه
حسابشان مفشوش باشد تمام این محاسبات بدون
اختلاف از دفاتر بانک بیرون خواهد آمد -

یازدهم - ترقی زراعت بواسطه همین بانک باین
معنی که یک شعبه از بانک موصوف باید برای عمل
زراعت و هلاحت مفتوح باشد و بمردمان زارع
که بواسطه فقر قوه زراعت کردن ندارند مساعده بدهد
و ما محتاج زراعت را برای آنها فراهم آورد که
هم زمینهای بایر بپروغ معذور شوند و هم مردمان
فقیر دهقان از حیث معاش آسوده شوند و هم
مال دولت زیاد شود و هم اولاد وطن که بواسطه
بریشانی و مطلق هر روز هزارها برای حالی و
فقهکی و اشغال پست از ایران خارج میشوند و
هر سال کلیها از جمعیت ایران کاسته میشود از

این پدید آمدن دولت مملکت خود تحصیل معاش نمایند و کم کم خرابیها رو بآبادی گذارد و نوع ابرای زیاده از این در انظار خار نیابد.

اینها که عرض شد همه توضیح و انجمن است و هیچ محتاج بدلیل و برهان نیست، خواهید این بانک بسیار است اسکر بطوری که منظور است این بانک اداره شود طولی نخواهد کشید سکه تمام نرود ملت در این بانک جمع خواهد شد، و در واقع هر کس هر چه دارد در همین بانک بطواعت بود، زیرا که حقوق مردم از قبیل مواجب و مستمری و غیره که حواله این بانک میشود غالباً در همان بانک نام همان اشخاص جمع میشود و بانک همیشه قوه و قدرت این را دارد که هر مقدار پول لازم شود بدولت قرض بدهد و رفع احتیاج دولت را از خارج بکند عرض اینکه هیچ احتیاج بقرض خارجه در صورت بودن بانک ملی نخواهد شد، یکی از هزاران فایده تشکیل این بانک را نتوانستیم ذکر ماہم البتہ بر ادبای بصیرت و دانایان وجوب همچو بانک اسباب تردید نیست.

(از شنکهای خیر خواه وطن - محمد تقی شیرازی)

تکرار مشہد

(به مقام منبع نیابت سلطنت عظمی)

برومند باد آت هر یون درخت

که در سایه اش میتوان بود رخت
ما سادات اینجام شاگردان مدرسه سادات
آستان قدس علیه الاف التحية و التناء سائیان
براز محل مخارج مکتب ما را اولیای آستانه برده و
می خوردند، الآن قریب یک سال است آقای
صدرالممالک در صدد اصلاح امورات بر آمده اند،
لولا مدرسه بطرز جدید معلمین کافی از جهت ما
تهیه نموده اند، قریه مهرباب خان را که در دست
قوام التولیه بود و به تمنی شخص از متولیان سابق
اجاره کرده و میخورد آقای صدر الممالک قریه را
که محل مصارف ما بود از دست ایشان گرفتند
مجلس توسعه مدرسه و اضافه نمودن شاگردان
هزار هزار و بانصد تومان بدیگری اجازه داده اند،
خلاصه قوام التولیه چون لاف کشیکان و اشرا را خود
خود جمع نموده دیندارند می کنند که چاره بچند

همان ملک را بطور سابق تصرف نماید، تاها را
باجداد طاهرین قسم میدهم در این عصر جدید
که تمام اطفال پدردار در مدارس جدید تحصیل
مینمایند و راه ترقی و تنالی را می نمایند رومی و
این سادات یتیم بفرمائید که ارکان مدرسه ما در
زلزل است و نزدیک است که مجدداً ما را بچاه
مذلت یعنی آن مکتب های تارک و معامین بی علم
دچار نمایند، خدا را می نظری بچاب ما معارف
دارید، قریه مهرباب خان را قوم التولیه در بانصد
تومان اجاره کرده بود و عملاً آقای صدر الممالک
در هزار و بانصد تومان اجاره داده اند، از انصاف
دوراست که هزار تومان صرفه ما جمعی سادات
یتیم را ملاحظه فرمائید البته مرحمت خود را در
باره جمعی ذراری حضرت زهرا درینج نخواهند
فرمود، ناچه کند همت والای شما.

امضا نام شاگردان و معلمین - محمد حسن الوسوی
محمد رضا صدیق دفتر آستانه

نعل از روز نامه شریفه اصلاح منطبه بینی

(قابل توجه ایالت عظامی کرمان و فارس)

مدن است جماعتی از طایفه عطائیان خراسانی
مقیم شهر بابک و سیرجان و سید آباد بریشان
حال در این ملک دیده میشود که از فرط احتیاج
بگدائی افتاده و حکایات جاسوزی را دارند
بقراریکه شرح می دهند از دو سال باین طرف
صافه حرب و بهارلو و سارقی فارس چنان
ناخت و تازی بشهر بابک و سیرجان نموده اند که
بسا اشخاص سرشب دارای ثروت های وافره و تمکن
طالبه بوده صبح خود را نوت و عور دیده اساس
زندگانی آنها بر باد فنا رفته است.

مخصوصاً خورشید خن و امداد حسین خان
بهارلو در سید آباد ریخته و کلی اموال و منال
این مردم بیچاره را بظارت برده اند.

قریب به یقین الی بچاه نفر از غارت زدگان در
بیشی خود نگارنده دیده که همه لا ملحاء و بی پناه
و محتاج نان شب هستند، زمی بی شرمی و بی شرفی
که ابناء وطن خود را باین حال مشاهده کند و
در صدد چاره بر بیاید، و تف باین بی بلالی و بی
اعتنائی حکامی که بن باین وفالت ها داده و در
صدد رفع و جلوگیری انبار و صیانت ناموس

مردم بر نیامند .

این اوقات بیچارگان مذکور که خبر ورود حضرت والا جلال الدوله فرمان فرمائی کرمان و ایالت با جلالت جناب اجل آقای نظام السلطنه فارس و آن توجهات عالیّه ایشان نسبت به تنظیمات مملکت اسماع عموده تا بحال فلاکت باداره آمده عرض حال خود را بذریعۀ این جریده می نمایند. که ای موالیان، و ای حافظان جنوب وطن و ای آقایانیکه استقلال و حفاظت ناموس جنوب را بکف ما کایت خود گرفته اید بحال ما بیچارگان و اشخاصیکه در آن صنجات مانند ما مابین روز بریشانی رسیده و امکان برار هر نداشته اند رحنی قوموده بصر مرحق عموده اموال و منال ما را از این دزدان بارو و فارس گرفته بتوسط همین جریده به بشارت احد اموال قیوم انسرده ما را شکفته و ما را در عدد دعا گویان محسوب دارید امیدواریه بتوجهات کامله این دو وجود محترم آب رفته مجوی آید و جمع فلاکت زدگان را از قعر تنگی دولت باوج سعادت و مکننت رساند .

اصواع قایانات

بعد از اتمام مشروطیت و متوض شدن حکومت به شوکت الملک که در استبداد صغیر از کار کناره کرده بود حشمت الملک بنای تسخیر و افساد گذاشت حشمت کشیده و خیالاتی در سردشت، اولیای دولت بدوا حکم عموده برود سیستان و اشجع الملکی که اوایل اوقات در میرجند بود مأمور حرارت دادن او شد. اما حشمت الملک بسهولت دل از قایانات نمیکند هرچه اشجع الملک بملازمت ومدارا رفتار نمود علمت و شدت او از زوده و دسته دسته بلوچهای سیستان را خواست ، بلوچها و بوکرات حاضر خود را اسلحه داد، خاتم خود را سنکر بندهی عموده بالاخره کار بجائی رسید که باشجع الملک حمله نمودند و چندتن از کاشدگانش را مجروح عموده تنگ و فشنگ از قزاقی دواتی گرفته و به بازار ریختند و قصد غارت داشتند، وزارت داخله بعد از اطلاع بر این مراتب ابتدا بشوکت الملک حکم نمود که حشمت الملک را تحت الحفظ طهران بفرستد، شوکت الملک مجبورا سوار و سرباز مختصری خواسته صلح نمود و بطرف فهاجد که با دولت با آسانی نمیشود یابی شد مولی ملاحظه خریدارندای

و برادر زادگی او را عموده هر قسم بود در اخباری تحکیم ملاحظه کرد، حشمت الملک که کار را سخت دید خجرا عفا بیرجند را وداع نموده عازم سیستان شد، فزاین راه بود که دستورالعملهای آشکارا سرداران سیستان بنای دسته بندی و شورش را گذاشت، و زیادی مالیات را بهانه عموده گفتگو از زمینستان به (نه) در میان آمد و هر ساعت راپورتهای موحش بمشهد و طهران داده شد، اولیای امور گویا صلاح در این دیدند که موقتا بیابت حکومت سیستان بحشمت الملک واگذار شود و آتش فساد خاموش گردد تا در آتیه فکر صحیحی برای قایانات و سیستان شود .

بلی عمود رسول تاگراف نایب الحکومتی به (نه) آن داد و فریاد اهالی و هوپهای سیستان موقوف شد و این مراتب بر حسن کفایت آقای نایب الحکومه دلیل قاطع آمد، و اما اگر حشمت الملک عفو و اغراض امناء دولت را از تسمیرات خود چه در مشروطه اولی و چه در استبداد صغیر چه بعد از اتمام مشروطیت قدر مبداست و دولت را باز چه تصور میکند خوب بود، ولی افسوس محبت و شهنشکی حکمرانی قایانات از قلب او خارج نمیشود و در تحصیل این مقصود تا هر درجه حاضر شده در اوایل کن مبرکد که هنوز بیول و رشوه ممکن است کاری بانسرفت کند، از آن در داخل شد و دست توسل بدامان شیخ ابوالقاسم معروف که از نمای حوزه شیخ فضل الله بود زد. مولی کشید که مکاتبات شیخ که حاوی بعضی دستورالعملها برای حشمت الملک بود گیر آمد و بمجلس عالی رسید، شیخ در تعلیمه توقیف و استنطاق شد تا شش ماه هم حبس بود، حشمت الملک بعد از مابوسی از این راه متوسل به پانیک شد، اما چه پانیکی که هیچ و من خواهی باعمال آت راضی نمیشود یعنی بلوچهای وحشی و خونخوار را بنهب و غارت قایانات و ادار کرد و هر روز دسته را بمجایدت طرق مرستاد تا دولت مجبور شود و بمیل او رفتار کند، متجاوز از دو هزار نفر پار سل تا بحال از قایانات بسرقت برده اند، اوایل بعضی دزدیا را از سیستان میکند و اینده و به بلوچستان می بردد، بعد ها کم کم جری شده بدرجه رسیده که قانونهای قاین را در بازار سیستان علنا می فروشد

و چندین نفره دزدی بجهت خواجه احمد سیستانی فرو رفته اند بلوچها کاند هلی مزیدد گیر آمده سکه تاحشمة الملائرا حکومت قاینات ندجند مادست ردار نخواهیم بود کشته شدن پسر عموی سردار خداداد خالوی حشمت الملك در حالیکه با فله (ه) حمله نموده بودند در جراند هم درج شد.

حال میخواهیم اقدامات اولیاء دولت و حاکم قاینات را در جلوگیری این اعتشاشات ذکر کنیم اما اقدامات اولیاء دولت هر رابورتی که از دزدی بلوچ میشد با طهران میرسید فوراً از شوکت الملك توضیح میخواستند و این چند کله «ه» شا باید با استمداد بخانی و قوه شخصی رفع این عوایل را بنمایند « مگر در حکومت قاینات تلگراف شده و هر چه از اینجا عرض شد که قاینات شصت فرسنگ در شصت فرسنگ طول و عرض دارد و از آن طرف که مغرب و جنوب متصل (کویر) لوط است و بلوچها از هر نقطه (کویر) خارج میشوند و قاین را غارت میکنند راه معینی ندارند که بشود قراول گذاشت و جلوگیری کرد، بلکه باید قلع ماده بشود، از آفتاب روشن تر است که دزد قاین بلوچ و سیستانی است آن هم بخریک حکومت سیستان باید بلوچ را در مقر و مسکن خود مطیع نمود، و قشون فرستاد سکه اموال مسروبه را که هر فقره آن مشخص است که نزد کدام طایفه است مسرد داشت هیچ اقدامی که منتج نتیجه باشد نشده و تمام بوعده های هر قوبی گذشت اما اقدامات حکومت قاینات حتی المقدور در این مدت يك سال قراول و پاسبان بعضی نقاط فرستاده و مخارج فوق العاده متحمل شده که هر گاه این جلوگیری هم میشد بزرگاله تا کنون برای قاین مانده بود و تمام مراتب را با اولیای امور رابورت داده و چندین تن از کاشنکان و بوکراش در زدو خورد مقتول شده اند.

بالاخره بکاه میشود سکه ارموشی بالغ بر هفتصد نفر تشکیل داده و طازم (ه) که آخر خاک خاین است گردیده و فعلاً در (ه) متوقفند و سوار و سرباز و ایلجار بنقاطی که احتمال عبور بلوچ میرود گذاشته اند، ولی از حیث بی غله کی کار سخت است، چیزی که جواب دقت است این بدقت سکه این حرکتها از لوی و سخت و مخلوج

اردو کشی هم بی نتیجه است، لولا بواسطه بی اسلحه کی مدتی است از مشهد و طهران استمدای فنک و فشک برای سرباز شده زیرا بیشتر از دو بست قبضه فنک مکنز و ورنزل محبوب سکه آهم ارسال فرستاده شده در قاینات نیست. پیش از حرکت اردو هم در باب اسلحه خیلی اصرار شد حق مایالت مشهد مخبرات حضوری در این باب شده و ایالت قول صریح دادند که تا يك هفته دیگر فرستاده میشود و فعلاً بکاه است اردو در (ه) ساکن است و تازه ایالت جواب داده که اسلحه از طهران خواسته بمجرد رسیدن ارسال خواهد شد.

نایا اگر اجازه بشوکت الملك داده شود سکه بسروقت بلوچها رود و اموال مسروقه را پیش هر طایفه کشف نمود استرداد نماید خوب است ولی مسلم است سکه چنین اجازه داده نمیشود.

ثالثاً از دزدیهای جدید هم جلوگیری نخواهد شد زیرا این اردو اطراف (ه) و بندان را گود و مفتاد را، را اشغال نموده اند و تمام خط غربی سکه مجاور لوط است برای بلوچها برادع و مانع است، هر دزدی که بخواهند بکنند می توانند، چنانچه در این چند روزه هم رابورتی رسیده دو بست نفر بلوچ از طرف لوط با طرف (خور) حمله نموده و شتر زیاد بقتل برده و چند نفر هم کشته شده است، از (ه) نیز جمعیتی بسر راه آنها فرستاده شده اگر تلافی بشود شاید غارتی های این دفعه استرداد شود، این است اوضاع قاینات بعد از نگاشتن علت اصلی اغتشاش اوضاع قاین و تاریکی افق سیاست آن محتاج بتردید و تکذیب جعلیات مکتوب سیستان مندرج در عمره (۲۴) جبل الملت نیستیم، همین قدر عرض میکنیم هر کس آن مکتوب را بدقت مطالعه کند حقیقت امر را درک خواهد کرد.

(م - ح)

حاضر خراسان

(اولیای امور هموماً و وکلای جمهور خصوصاً)
(بدقت ملاحظه نمایند)

احوال خراسان چندان امید بخش نیست اغلب امورات مختل و ادارات هنوز صورت صحیحی پیدا نکرده و در امور یکدیگر مدخله و دزدی کلاه

بجمن ایالتی حق نظارت و تقبیلش در امور را بموقع مخصوص موقوف میداند ملا میان مشهد خودشان را مالک الرقاب دانسته دست از شیوه دیرینه برداشته هرگاه خدای مخواستہ اداره در قبول توسیہ و توسط غیر قانون آنها قانوناً تاملی روادارد ، روزگارش تپاہ و بختش و ازگون شده ، تذکرات بمقامات عالیہ مخارہ و متوسل بمقتضیات وقت گردیده ، خلاصہ با اقامہ چندین دلیل شرعی صرفی احصاء رئیس آن اداره را واجب مینماید .

ایالت ککبرا مهربانی و حسن سلوک را از حد گذرانده و از نکته اصلی (تجری عوام) صرف نظر کرده اند ، و چون مردم هنوز حد خود را ندانسته این رویه و سلوک را بعدم فصالت یا بافاظ دیگر تعبیر مینمایم

قشون در مشهد وجود خارجی ندارد (بلکه چیزی که وجود خارجی دارد قشون خارجی است) آری قشون روس خیلی مرتب و اغلب از روزها با توپ بگردش رفته و در موقع مراجعت و عبور از معار منصره هولناکی تشکیل و بمک بر جراحت درد مندان وطن می باشند ، آری در آن ساعت مرگ هزار مرتبه بر زندگانی شرف دارد ، اگر اندکی دین منوال بگذرد می توان یک منصره هواناک و یک حادثه عظیمی را پیش بینی نمود که علاج آن از قوه مرطبی خارج باشد .

وکالی ایالتی که خود شان بمنزل قانون گذاران ملت میباشند بد محتاه اول کسانی هستند که بدون حواله و اجازه ما این که مکرر از وزارت مالیه منع رسیده ، مایه هشتصد و چهل تومان بر خلاف معام نامه خود از مالیه باسم مواجب در یافت میدارند ، باید دید در مقابل این وجه و ضایف خود شان را ادا می نمایند که در پیش گاه وحدان خجل نباشند ، نمیدانم جواب این سؤال را چه بگویم که حق گفته باشم اگر بگویم نمیدانم دروغ گفتم ، اگر بگویم میدانم لابد بحسب مسئولیت قلمی که دارم باید بنویسم ، در اینجا نصیحت بگناه فیلسوف الفصح المنکلمین سعدی علیه الرحمہ را کار بسته ککه میفرمایند (دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است) بنا بر این قاعده میگویم خیر نمیدانم زیرا ککه اگر بگویم وکلا بوظیفه خود رفتار نمیکند بلادره فلاش

ککه یکی از وکلا است هر هر مایه یک مرتبه بدعات و قصبات خراسان مسافرت کرده باسم این که من وکیل انجمن در قضاوت و حکومت کار کشائی می نمایم . وقت مراجعت مبلنی شیر و بنیر کرم و روغن محصول بلوک کردنی خود را بشهر می آورد ، یا اینکه بگویم ، فلاش ، که یکی از وکلاست بحقیقت حق قسم است که ابد علم و اطلاعی از هیچ چیز ندارد بوسایل مختلفه (یعنی هفت وسایل و قشقه که فلاش از جهت وکالت دوره آتیه پارلمان یا افلا وکالت انجمن ایالتی میکشد رفتار ، کد خدایان محل و رعایای خودش را سفارش میکند که در موقع انتخابات بایشان رای بدهند خود را داخل انجمن مقدس نموده و زمام امور ملت بدخت خراسان را بکف بی کفایتی خود گرفته آن وقت فوراً تمام اعضاء انجمن سینه ها را سبز کرده محض تریه روزمبادای خودشان کاسه آشی قرض باین دوفر خواهند داد با جمعی از عمده فساد و اشخاص که دود دین دارند همدست شده در مقام حمایت از این دوفر خواهند بر آمد انجمن را تعطیل خواهند کرد اسم مقاله نویس را خواهند خواست ، حالا خریار و معرکه بارکن کدام قدرت است که بتواند در عدایه اعمال این ها را ثابت کند ، پس باین قاعده بطوری که در فوق عرض شد مجدداً عرض میکنم که خبر نمیدانم و از اعمالشان هم خبر ندارم ،

از جمله تشکیلات جدیدی که در خراسان شده اداره جنس است (بل جنس است) که از نقد مجزی و پیشکار مخصوص دارد ، ما اگر منطقی باشیم می توانیم از معلومات کشف مجهولات نایم و بحسب این قاعده منطقی می فهمیم که وزارت مالیه هم در قسمت تقسیم شده ، وزارت مالیه نقدی ، وزارت مالیه جنسی . آیا این طور نیست ؟ سبحان الله ، این چه تویب است از طری می شنویم که در مملکت مشروطه تمرکز مبادات از مسائل حتی الاجراست و مطابق قوانین تمام دنیا و عقل سلیم باید کلیه مبادات در مالیه جمع و از صندوق مالیه بمصرف برسد ، ولی متأسفانه در مملکت ما بر عکس است ، بیوض اینکه تمام عواید ادارات پالیه باید بر بخانه رشیه جنسی